



A critique of students' Indigenous Selection policy: The need for a comprehensive and research based policy

Esmael Balali¹

1. Associate Professor, Department of Social Sciences, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article	Objective: The students' Indigenous selection policy was approved and announced in 1990. There have been criticisms of the plan since then. Despite these criticisms, some continue to insist on the positive consequences of this plan. This article seeks to critique the rough construction assumptions that led to the approval of this policy.
Received: 2022/03/25	Methods: To show the problems of this policy, the library study method (desk study) has been used. For this purpose, all studies that were directly or indirectly related to this policy were critically reviewed and analyzed. Also, some of these critiques were analyzed based on different theories.
Received in revised form:	Results: The findings show that this program was carried out without a thorough and in-depth expert work, and its fundamental arguments were in many cases nothing more than fallacies. It has open issues and covers the managerial weaknesses of the responsible organizations in the issues mentioned in it.
Accepted:	Conclusion: With attention to theoretical and analytical arguments and the researches which have done in this subject, researches and arguments of the proponents have been challenged and suggestions and solutions have been presented in some fields. The general argument is that this program should have been run as a pilot, and after the problems were identified, and then it was implemented at the macro level.
Published online:	Keywords: Indigenous Selection policy, Student, Sanjesh Organization, Ministry of Science, Research and technology, Higher Education

Cite this article : Balali, Esmael (2021). A critique of students' native selection policy: The need for a comprehensive and research based policy. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 12 (38): 35pages. DOI: 10.22034/emes.2022.550653.2369



© The Author(s).

Publisher: National Organization of Educational Testing (NOET)

نقدی بر سیاست بومی‌گزینی دانشجویان: لزوم اتخاذ سیاستی جامع و تحقیق بنیاد

اسماعیل بلالی^۱

۱- دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. پست الکترونیک: balali_e@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: سیاست بومی‌گزینی دانشجویان در سال ۱۳۶۹ تصویب و ابلاغ شد. از آن زمان نقدهایی بر این طرح وارد شده است. برخی نیز علیرغم این نقدها بر پیامدهای مثبت این طرح همچنان پافشاری می‌کنند. این مقاله درصدد است پیش‌فرضه‌هایی زبر بنایی که باعث تصویب این طرح شده است را به نقد بکشد.
دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۵	روش پژوهش: برای نشان دادن اشکالات این برنامه از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. بدین منظور تمام مطالعاتی که مستقیماً یا غیر مستقیماً به این سیاست مرتبط بودند مورد بررسی و تحلیل نقادانه قرار گرفتند. همچنین با اتکا به تئوری‌های مختلف برخی از این نقدها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.
اصلاح: پذیرش: انتشار:	یافته‌ها: طرح بومی‌گزینی در سال ۶۹ با بررسی‌های کارشناسی آن و متناسب با اقتضات آن سالها تصویب شده است. اما در حال حاضر با توجه به گذشت بیش از ۳۰ سال از اجرای آن و توسعه آموزش عالی نیاز به بازنگری اساسی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد این برنامه نیاز به یک کارشناسی دقیق و عمیق انجام دارد و به استدلال‌های بنیادین آن ایراداتی جدی وارد است. این طرح در واقع به شکل یک مسکن عمل کرده و مسئولین را از پرداختن به راه حل‌های اساسی مسائل باز داشته است.
	نتیجه‌گیری: با استدلال‌های نظری و تحلیلی، پژوهش‌های انجام شده، تحقیقات و استدلال‌های موافقان به چالش کشیده شده و پیشنهادات و راهکارهایی در برخی زمینه‌ها ارائه شده است. استدلال کلی آن است که این برنامه باید به صورت پایلوت اجرا می‌شده و بعد از مشخص شدن ایرادات، در سطح کلان اجرا می‌شود.
	واژه‌های کلیدی: بومی‌گزینی، دانشجویان، سازمان سنجش آموزش کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش عالی

استناد: بلالی، اسماعیل (۱۴۰۱). نقدی بر سیاست بومی‌گزینی دانشجویان: لزوم اتخاذ سیاستی جامع و تحقیق بنیاد، مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۱۲

DOI: 10.22034/emes.2022.550653.2369



حق مؤلف © نویسندگان.

(شماره ۳۸)، ۳۵ صفحه.
ناشر: سازمان سنجش آموزش کشور

آموزش عالی ایران بعد از انقلاب اسلامی شاهد تغییرات کمی و کیفی بوده است. در واقع به دلیل تاثیرگذاری نظریه های توسعه و همچنین دیدگاههای سیاسی ناشی از ظهور انقلاب اسلامی در کشور، آموزش عالی به عنوان یک مجموعه تاثیرگذار در شکل گیری سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی تلاش کرده است تا سهم خود را در توسعه کشور ایفا نماید. یکی از مهمترین تغییرات نظام آموزش عالی ایران، تغییر و بازنگری نظام پذیرش دانشجو بوده است. در واقع بعد از فترتی چهار ساله در راستای سیاستهای انقلاب فرهنگی، موسسات آموزش عالی کشور از سال ۱۳۶۲ اقدام به پذیرش دانشجو براساس نظام پذیرش دانشجویی جدید با تاکید بر معیارهای علمی و عقیدتی کردند. از آن سال تاکنون، مطالعات متعددی در زمینه نحوه پذیرش دانشجو در کشور ایران صورت گرفته و مسئولین وقت وزارت علوم، سازمان سنجش آموزش کشور و سایر دستگاههای دخیل در امر آموزش کشور به دنبال جایگزین های مناسبی برای ایجاد تحول در نظام گزینش دانشجو در کشور بوده اند. در جلسه ۲۱۳ به تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب شد که کشور به سه منطقه شهرهای بسیار برخوردار، برخوردار و کم برخوردار تقسیم شود و ظرفیت ها نیز در دوره های مختلف به نسبت جمعیت این مناطق تقسیم شد (مهرعلی زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

به منظور اجرای عدالت آموزشی، براساس مصوبه سال ۱۳۶۹، فرمول گزینش داوطلبان در دوره های مختلف بر مبنای جمعیت داوطلبان در این مناطق و ظرفیت هر منطقه تعیین گردید. در این مصوبه تعریف و حدود بوم شامل سه قسمت: ۵ قطب، ۹ ناحیه و استانها می باشد. نواحی نه گانه و قطب های پنجگانه کشور به صراحت در آن مشخص شده است و بر اساس آن، رشته هایی که در مراکز دانشگاهی تمام استانهای کشور وجود داشته باشد، رشته های استانی محسوب می شوند و رشته هایی که در برخی استانها نیستند و در استانهای همجوار وجود دارند به صورت ناحیه ای تعریف می شوند و برخی از رشته ها که تنها در یکی از دانشگاههای کشور تدریس می شوند رشته های کشوری محسوب می شوند (همان).

همچنین در کنار این مناطق، براساس مصوبه مجلس، چند ظرفیت دیگر همچون شاهد و ایثارگر و غیره نیز ایجاد شد. براساس تبصره ۲ و ۳ پس از کسر سهمیه رزمندگان و ایثارگران ۲۰ درصد ظرفیت هر کد رشته محل از نوع رشته های بومی (قطبی، ناحیه‌ای، استانی)، به صورت آزاد و ۸۰ درصد به هر یک از سهمیه های مناطق یک، دو، سه و خانواده شهدا در بوم مربوطه (قطب، ناحیه، استان) اختصاص می یابد. در واقع داوطلبان هم سهمیه در کدرشته هایی که بومی محسوب می شوند در بین خود رقابت می نمایند، یعنی سهمیه منطقه دو یا سه فقط برای کدرشته محل هایی که داوطلب بومی آن کد رشته است، تاثیر دارد و برای سایر کدرشته هایی که داوطلب بومی آن کدرشته ها نیست در قسمت آزاد و با تمام داوطلبان کشور اعم از منطقه یک، دو یا سه با یکدیگر رقابت می نمایند. در گزینش سال ۱۳۸۷ به گفته رئیس سازمان سنجش، دقیقاً شبیه به قانون سال ۱۳۶۹ عمل شد و در سال ۸۷ در دوره های روزانه کلا ۷۹/۹۶٪ بومی گزینی وجود داشت در حالی که در سال قبل از آن این مقدار ۵۹/۱۱٪ بوده که ۱۱ درصد افزایش را نشان می دهد. در دوره شبانه این مقدار در سالهای مشابه از ۷۲/۶۲ به ۷۴/۷۱ درصد افزایش یافته است (همان).

مسئله بسیار مهمی که عکس العمل های داوطلبان کنکور، نمایندگان مجلس، وزرا و صاحب نظران امر آموزش را طی سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ برانگیخته، شیوه اعمال شده در پذیرش بومی دانشجویان ۸۸-۸۷ بوده است (همان). البته بعدها کارگروه تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۸ پذیرش بومی ۱۳ رشته پرمقتضای را به ۶۰ درصد بومی و ۴۰ درصد آزاد تعدیل کرد (در دفترچه های انتخاب رشته / آزمون سراسری اطلاع رسانی شده است).

بومی گزینی ۴ مرحله استانی، ناحیه ای، منطقه ای و کشوری دارد که در برخی رشته ها مثل هنر بومی گزینی کشوری بوده است. این سیاست با موجی از دیدگاههای موافق و مخالف مواجه شده است. به گونه ای که جهت گیری های خاصی در میان نمایندگان مجلس، مدیران و مسئولان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان سنجش آموزش کشور و همچنین اعضای هیات علمی، مدیران و روسای بعضی از دانشگاههای معروف و مادر کشور و مدیران و صاحب نظران علمی و فرهنگی کشور آغاز شده است (مهرعلی زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

این مقاله با هدف بررسی این طرح و نقد آن، از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول ابتدا استدلالهای موافقان بومی گزینی مطرح خواهد شد و در قسمت دوم نقد پیش فرضهای مرتبط با این استدلالها صورت خواهد گرفت.

استدلالهای موافقان بومی گزینی

بر مبنای استدلال موافقان طرح بومی گزینی، آزمون سراسری به عنوان راه ورود به آینده، یکی از دغدغه های اصلی جوان امروز محسوب می شود. هر ساله از زمان ثبت نام تا اعلام نتایج کنکور که یک پروسه چند ماهه است، مسائل و مشکلاتی را برای داوطلبان ایجاد می کند. با توجه به وابستگی مالی و عاطفی بسیاری از داوطلبان و نیز مقطع سنی حساس و تعیین کننده، استرس پذیرفته شدن در مکانی دور از محل زندگی و خانواده، علاوه بر اضطراب ناشی از پذیرش در آزمون، تاثیرات روانی و اجتماعی مختلفی را می تواند به داوطلبان تحمیل کند. پذیرفته شدن دانشجو در رشته ای در شهری دیگر و اقامت او در خوابگاه و روبرو شدن با تضادهای فرهنگی موجود بین دانشجویان در خوابگاه می تواند باعث بروز مشکلات فراوانی گردد به گونه ای که او کم کم از فرهنگ سنتی فاصله بگیرد و ممکن است مجبور شود فرهنگ هایی را بپذیرد هیچ گونه آشنایی با آن ندارد. از طرفی دوری ناگهانی و زود هنگام دانشجو از خانواده اش می تواند آسیب شدید روحی دیگری را به او وارد کند.

از جمله مشکلات دانشجویان غیر بومی در دانشگاهها عبارتند از نداشتن یا مناسب نبودن خوابگاهها و مشکلات ناشی از آن، معضل اداره خوابگاههای استیجاری و غیر استاندارد بودن آنها، عدم دسترسی به حداقل وسایل رفاهی لازم، مشکلات آموزشی از قبیل افت تحصیلی، مشروطی و اخراجی، دور بودن از محیط خانواده. ضمناً بسیاری از پذیرفته شدگان مناطق محروم پس از اقامت در شهرهای بزرگ پس از فراغت از تحصیل تمایلی به بازگشت به محل زندگی خود ندارند. علاوه بر مشکلات مذکور و با توجه به تشدید مهاجرت دانشجویی به شهرهای بزرگ، کمبود نیروی انسانی متخصص در مناطق ۲ و ۳ و اظهار نگرانی استانهای محروم از پر شدن ظرفیت آنها بوسیله دانشجویان غیر بومی (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

اگر بخواهیم نکات مورد نظر موافقان طرح بومی‌گزینی را به اختصار بیان کنیم می‌توان به این موارد به عنوان مهم‌ترین اهداف بومی‌گزینی اشاره کرد:

- تحقق عدالت آموزشی به خصوص در رشته‌های روزانه برخوردار از آموزش رایگان
 - کاهش مشکلات روانی و اجتماعی دانشجویان ناشی از دوری از خانواده و تضادهای قومی، فرهنگی
 - کاهش مشکلات اقتصادی دانشجویان ناشی از مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان.
 - کاهش مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان و دانشگاه (نظیر مشکل کمبود خوابگاه، افت تحصیلی ناشی از دوری خانواده و مشکلات اقتصادی)
 - کاهش مهاجرت‌های درون‌کشوری
 - گزینش بومی باعث خواهد شد تا داوطلبان هر ناحیه با امتیازات در نظر گرفته شده، بتوانند از امکان قبولی بیشتر در رشته‌های بومی بهره‌مند گردند.
 - بومی‌گزینی بسترسازی مناسبی را فراهم می‌آورد تا با جذب نخبه‌ها داخل استان‌های محل سکونت‌شان، باعث ارتقای بیش از پیش سطوح کیفی دانشگاه‌های آن استان شود و رقابت علمی واقعی بین دانشگاه‌ها در کل کشور را فراهم می‌آورد و از تجمیع دانشجویان برتر در یک یا چند دانشگاه خاص جلوگیری می‌نماید.
 - پذیرفته‌شدگان شهرها و نواحی مختلف کشور به خصوص مناطق محروم، با اقامت در شهرهای بزرگ، پس از فراغت از تحصیل، تمایلی به بازگشت به مناطق خود ندارند (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۳۹۳).
- برخی دیگر، هدف اصلی از اجرای طرح بومی‌گزینی را تمرکززدایی می‌دانند و بر این باورند که هر سال دانشگاه‌های تهران بیشترین داوطلبان باهوش را جذب می‌کنند در صورتی که این افراد می‌توانند در خدمت هدفهای منطقه خود باشند و این سیاست از حرکت پیرامون به مرکز تا حدی جلوگیری می‌کند. بسیاری از داوطلبانی که از پیرامون مهاجرت می‌کنند، حاضر به بازگشت نیستند و در پایتخت ماندگار می‌شوند، در نتیجه توزیع افراد تحصیل کرده در سراسر کشور متوازن نخواهد بود (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ۹).

روش:

تحلیل حاضر نوعی فراتحلیل کیفی یا به اصطلاح بهتر تحلیل تأملی یا فکری^۱ انتقادی است. تحلیل تأملی انتقادی فرآیند قدرتمندی از استخراج معنا از ترکیبی هدفمند از تجربیات و محتوای دانشگاهی است. این روش با به چالش کشیدن نتیجه‌گیری‌های ساده، مقایسه دیدگاه‌های مختلف، بررسی علیت و طرح سوالات چالش برانگیز تر، عمق و وسعت به معنا می‌بخشد ام ۱.

بازتاب انتقادی به روش‌های مختلفی تعریف می‌شود. دو راه اصلی برای «انتقادی» بودن با تأمل وجود دارد. اولین مورد شامل توانایی کشف، بررسی و تغییر مفروضات بسیار عمیق یا اساسی است. در معنای دوم آنچه تأمل را حیاتی می‌کند، تمرکز بر قدرت است. با این حال، «انتقادی» در هر دو معنا، در مورد توانایی دگرگونی، «درگیر کردن و منجر به

¹Critical reflective analysis

تغییر اساسی در دیدگاه^۱ است. معنای قبلی متکی بر بررسی مفروضات بسیار اساسی است که منجر به تغییر اساسی می شود. دومی شامل تغییراتی است که توسط آگاهی از نحوه عملکرد قدرت ایجاد می شود.^۲ بنابراین یک رویکرد تاملی انتقادی بر دانشی تکیه دارد که هم به صورت تجربی و هم به صورت خود بازتابی و در فرآیند تعامل، به منظور تحلیل، مقاومت در برابر روابط قدرت ساخته شده ساختارها و شیوه های تفکر و تغییر آنها ایجاد می شود یکی از با ارزش ترین ویژگی های رویکرد بازتابی انتقادی، توانایی آن در فراتر رفتن و درگیر شدن با تفاوت ها است - به این معنا که دانش، ایده ها، گمانه زنی ها، احساسات و نظریه های مختلف را می توان به صورت بازتابنده از موقعیت های مختلف مشخص کرد ام ۳.

به این منظور، ابتدا مطالعات و مقالات مرتبط با بومی گزینی مورد بررسی قرار گرفت. سپس نکات اشتراک آنها از حیث موافقت یا مخالفت و یا نقد این برنامه استخراج شده است. بعد از استخراج نظرات موافقان این طرح، پیش فرضهای بنیادین این طرح که توسط موافقان طرح شده است استخراج و فهرست شدند. این پیش فرضها شامل اجرای عدالت آموزشی، کاهش مهاجرت نخبگان، کاهش تضادهای فرهنگی و مصون سازی اخلاقی در برابر آسیبهای فرهنگی، افزایش سلامت روان، کاهش افت تحصیلی و تامین رفاهی و اقتصادی بوده اند. برای نقد این پیش فرضها از مطالعات و تحقیقات انجام شده و نیز نقدهایی که توسط متخصصین حوزه های مختلف بر این طرح وارد شده است بهره گرفته شده است. بر این نقدها، نقدهای خود محقق با استفاده از نظریات متعدد جامعه شناختی اضافه شده است. از مجموع نقدها و نظرات و نظریات، چارچوبی تحلیلی برای نقد استخراج و مطرح شده است. ذیل هر پیش فرض، نقدها، مطالعات، نظرات متخصصین و نظریات مرتبط به تناسب وارد شده اند.

یافته ها :

نقد پیش فرضها

در این بخش، بندهای مهم و اساسی بومی گزینی مورد بررسی و نقد قرار خواهند گرفت و ایرادهای وارد بر آنها از طریق استدلال یا ارجاع به مطالعات انجام شده مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

• نقد پیش فرض عدالت آموزشی یا بی عدالتی آموزشی؟

یکی از مؤثرترین راه های تحقق عدالت اجتماعی تأمین فرصت های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است و همه آحاد انسانی حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند. بر این اساس، برابری فرصتهای آموزشی، هنگامی محقق می شود که همه افراد در دستیابی به آموزش برابر باشند. هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می شود. منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور می باشد (بابادی عکاشه، شریف و جمشیدیان، ۱۳۸۹).

² <http://www.jkp.com/handbook-for-practice-learning-in-social-work-and-social-care-third-edition.html>

بر اساس نظریه فرصت برابر یکی از ارکان اساسی توسعه در هر جامعه‌ای، موفقیت در تحصیل در زمینه‌های تخصصی گوناگون و ایجاد فرصت‌های برابر برای دستیابی همه افراد جامعه به این منابع می‌باشد و جوامع مختلف و به ویژه جوامع در حال توسعه در این راستا با موانعی جدی روبه‌رو هستند و سهم افراد از این سرمایه‌ها، به ویژه به نسبت پایگاه طبقاتی‌شان از یکدیگر متفاوت است (نوربخش و حائری، ۱۳۹۰). فراهم آوردن فرصت‌های آموزش عالی، برای جامعه زیر پوشش دانشگاه را می‌توان از جمله هدف‌های اجتماعی هر دانشگاه منظور داشت (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۳۹۳).

از بین رفتن تبعیض یکی از اجزا اصلی فرصت برابر محسوب می‌شود به گونه‌ای که این عنصر بر تساوی برخورد آموزش عالی با داوطلبان ورود به آن دلالت دارد، به بیان دقیق‌تر، این موضوع مبین آن است که به داوطلبان ورود به دانشگاه به شیوه مشابه رفتار شود و تنها عامل ممیزه افراد از یکدیگر استعداد تحصیلی آنان است که بر احتمال استفاده آنان از رشته انتخابی تأثیر مستقیم دارد (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۳۹۳).

با این پیش‌فرض، می‌خواهیم ببینیم آیا طرح بومی‌گزینی فرصت برابر و عدالت آموزشی را برای همه مدنظر قرار می‌دهد یا نه. همانطور که در بخش اول گفتیم بر مبنای ادعای طرفداران طرح، بومی‌گزینی باعث تحقق عدالت آموزشی خواهد شد. پیش‌فرض عدالت آموزش این است که افراد در شرایط برابری به لحاظ آموزش و امکانات آموزشی قرار دارند. در همین مورد یک سوال اساسی قابل طرح است و آن اینکه آیا افرادی که در این رقابت (کنکور) شرکت می‌کنند در شرایط برابری قرار دارند؟

جواب بدیهی به این سوال «نه» است. به اذعان آمار و ارقام، مناطق مختلف کشور به لحاظ آموزش و امکانات آموزشی در شرایط برابری نیستند. یعنی نقطه شروع برای همه در این رقابت یکسان نیست. در این مسابقه مناطقی و دانش‌آموزانی با فاصله‌ای زیاد و بسیار جلوتر از سایرین در خط مسابقه قرار دارند و این فی‌نفسه نقض غرض عدالت آموزشی و در نقطه مقابل آن و ضد آن است. پس یکی از پیش‌شرط‌های عدالت، برابری در خط مسابقه و امکانات آن است. نکته جالب آن است که خود وزیر علوم هم با صراحت به نبود این پیش‌شرط و الزام آن در طرح بطور ضمنی اشاره کرده است. «وی در مصاحبه‌اش با ایسنا در ۸۷/۷/۲۶ با اشاره به اینکه نباید شهرستانی‌ها را از ورود به دانشگاه محروم کرد بیان داشت: بومی‌گزینی خیلی به عدالت نزدیک است، هر چند کیفیت آموزش و پرورش در همه کشور یکسان نیست» (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

در تایید این ادعا می‌توان به نتایج پژوهش مهرعلی زاده و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد که نشان می‌دهد طرح بومی‌گزینی دانشجویان با توجه به اینکه امکانات آموزشی در سراسر کشور با تهران و دانشگاه‌های بزرگ فاصله معنی‌داری دارد، برخلاف عدالت آموزشی است و این مطلب سبب کاهش سطح عملی دانشگاه‌ها و آموزش عالی می‌شود. به همین دلیل به نظر می‌رسد، سیاست بومی‌گزینی به شیوه فعلی (از سال ۱۳۸۷) اگر چه منجر به قبولی و پذیرش دانش‌آموزان بیشتری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نسبت به سال‌های گذشته شد و دسترسی به آموزش عالی در مناطق مختلف کشور را برای متقاضیان فراهم نمود، اما به دلیل محرومیت بیشتر استان‌ها و امکانات اندک

سخت افزاری و نرم افزاری دانشگاه های شهرستان ها در مقایسه با دانشگاه های پایتخت و مراکز استان ها، نوعی نابرابری را برای استعدادهای مناطق محروم در بر داشته است (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۳۹۳).

موضوع تاسف بار این است که مسئولینی که چنین تصمیماتی را اتخاذ نموده اند این شیوه گزینش دانشجو را اعمال عدالت آموزشی می نامند. اما سوال این است که آیا این عدالت است که مثلاً دانش آموزی زابلی با رتبه ۳۰۰ کنکور حق تحصیل در دانشگاه تهران و یا صنعتی شریف را نداشته باشد و دانش آموزی در شمال تهران ضمن برخورداری از بهترین امکانات آموزشی در دوره دبیرستان با رتبه ده هزار بجای او پذیرفته شود (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

از جمله مطالعات دیگری که در نقد پیش فرض عدالت آموزشی بومی گزینی می توان ذکر کرد پژوهش جمالی و باقی یزدل (۱۳۹۵) برای بررسی اثرات بومی گزینی است. این محققین، پرسشنامه ای تدوین و آن را بین چهار گروه معاونین آموزشی، معاونین دانشجویی، حراست دانشگاههای دولتی تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مدیران مرتبط با موضوع بومی گزینی در شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم و سازمان سنجش توزیع و اطلاعات لازم را گردآوری کرده اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که مهم ترین چالش های بومی گزینی به ترتیب در بعد آموزشی، بعد فرهنگی - خانوادگی، بعد اجتماعی و بعد اقتصادی می باشد. در مجموع ۵۳,۵ درصد از پاسخ دهندگان بیشترین میزان مخالفت خود را در بعد آموزشی اظهار نموده اند و معاونین آموزشی با ۶۱,۵ درصد بیشترین میزان مخالفت را با بومی گزینی نسبت به سایر مسئولین دارا می باشند. حدود ۴۰ درصد افراد مورد مطالعه در این بررسی معتقدند این طرح باعث عدم تحقق عدالت آموزشی می شود.

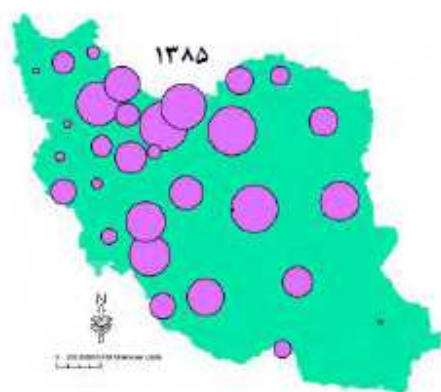
سهراب زاده و همکارانش نیز در پژوهش خود به ارزیابی تاثیر بومی گزینی از منظر صاحب نظران آموزش عالی (کارشناسان و معاونان دانشگاههای تابعه وزارت علوم و وزارت بهداشت) پرداخته اند. نتایج آنها نشان می دهد که ۶۴,۴ درصد از افراد مورد مطالعه مخالف تامین عدالت آموزشی از طریق طرح بومی گزینی هستند و تنها ۳۵,۴ درصد با آن موافق هستند (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

تمرکزگرایی و توسعه ناهمگون ریشه اصلی بی عدالتی ها

ارزیابی و تحلیل شاخصهای تلفیقی توسعه یافتگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه ایران نشان می دهد که ایران هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه ای و محلی تحت سلطه ساختار فضایی مرکز پیرامون قرار دارد. در سطح کلان ملی، بخش مرکزی (تهران و استانهای اطراف) در مقایسه با بخش پیرامون، از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از توسعه یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار می باشد. این نسبت در مناطقی از حاشیه ایران که از حیث متغیرها و نیروهای ژرف با بخش مرکزی نامتجانس اند، به کمترین میزان می رسد؛ به گونه ای که این نابرابری شائبه وجود تعویض در سیاست و اقدامات اجرایی دولت مرکزی را تقویت و اعتماد بخش حاشیه از بخش مرکزی و دولت مرکزی را سلب می کند و پتانسیل واگرایی را در این نواحی افزایش می دهد (ولیعلی زاده،

۱۳۹۵). بر این مبنا، یکی از اثرات میان مدت این طرح آن خواهد بود که فاصله بین مرکز و پیرامون کشور را افزایش خواهد داد و موجب تنش بین آنها خواهد شد. فاصله افتادن بین پیرامون و مرکز حتی انسجام ملی را هم مورد تهدید قرار خواهد داد. در این باره معمولاً به نکته ای بی توجهی می شود و آن اینکه انسجام ملی صرفاً از طریق یک رابطه تنش‌زا بین پیرامون و مرکز به خطر نمی افتد. تنش در بین نقاط مختلف پیرامون هم انسجام ملی را به خطر می اندازد و این طرح این موضوع را نیز سبب خواهد شد یعنی هم فاصله استانها از مرکز را افزایش می دهد و روابط شان را تنش‌زا می کند و هم روابط بین خود استانها را تنش‌آمیز می کند. طرح بومی‌گزینی دقیقاً یک طرح ضد تمرکززدایی است و دوباره در دانشگاههای مرکزی به ضرر دانشگاه‌های حاشیه‌ای تمرکز ایجاد می کند (فکوهی، ۱۴۰۰).

شکل زیر عدم تعادل فضایی در توزیع و پخش سطح توسعه یافتگی در ایران را نشان می دهد. ولیقلی زاده در مقاله خود عدم تعادل فضایی در سطوح مختلف را مورد بررسی قرار داده و نشان داده است شکاف بین مرکز و پیرامون در سطوح مختلف در ایران زیاد است و به عنوان یک الگوی تقریباً مشابه در تمام دولتها و حوزه‌ها وجود داشته و تمرکزگرایی وجه غالب این دولتها بوده است.



عدم تعادل فضایی در توزیع و پخش سطح توسعه یافتگی در ایران (ولیقلی زاده، ۱۳۹۵)

به عنوان شاهدی در این زمینه می توان به مصاحبه یکی از دانشجویان در این زمینه اشاره کرد. وی در این مورد می گوید: «اگر کشور ما به گونه ای بود که مناطق آن از جهت توسعه، توازن قابل قبولی داشت (مانند انگلستان که الان من هستم) بهانه‌هایی نظیر خوابگاه شاید منطقی چلوه می کرد، اما در جایی که تمام سرمایه‌های علمی و غیر علمی در تهران و چند شهر دیگر متمرکز شده، این کار باعث می شود که دانشجویان شهرستانی در دانشگاههای با کیفیت پایین محل سکونت خود درس بخوانند و لذا شاهد رشدی در آینده هم نباشیم و تهرانی‌ها هم خودشان از امکانات خودشان بهره مند شوند». بنابراین با رویکرد توسعه نامتوازنی که در آن اهداف با هم متعارض اند و نیز تمرکزگرایی حاکم بر دولتهای ایران پس از انقلاب، نتیجه طرح بومی‌گزینی عبارت خواهد بود از «حذف شهرستانها از دسترسی به دانشگاههای تهران و سخت کردن رقابت شهرستانی‌ها در رسیدن به دانشگاههای تهران که این کاملاً به نفع دانش‌آموزان پر امکانات تهرانی است» (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

بنابراین براساس وجود الگوهای نامتوازن توسعه و متناسب با آن تمرکزگرایی می توان استدلال کرد در ایران عدالت آموزشی وجود ندارد. هانتینگتون در بررسی نظریه های توسعه به سه فرضیه اساسی اشاره دارد. الف- فرضیه همسازی میان اهداف (رشد همزمان طولی و عرضی اهداف در جامعه) ب- نظریه های هم ستیزی (وجود تعارض میان اهدافی مثل رشد و عدالت یا رشد و آزادی)، ج- نظریه تلفیقی (انتخاب اهداف و خط مشی های تلفیقی و اولویت دار) (مهرعلی زاده، رجیبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱)

بر مبنای نظریه فوق، می توان گفت که در جامعه ایران تعارضی بین اهداف مختلف آموزشی طرح بومی گزینی وجود دارد. عدالت و رقابت آزاد هر دو جزء اهداف آموزشی طرح بومی گزینی است اما رقابت آزاد فردی در ذیل هدف آموزشی قربانی می شود. در طرح بومی گزینی به اسم عدالت آموزشی (که همانگونه که قبلا نیز گفتیم زیر بنای آن سست است) جلو رقابت فردی گرفته می شود. در رقابت آزاد، افراد همه جای ایران با هم برای دانشگاههای برتر رقابت می کنند اما در به اصطلاح عدالت مورد نظر بومی گزینی، داوطلبان تهرانی ها برای تحصیل در دانشگاههای برتر تهران با هم رقابت می کنند و داوطلبان شهرستانی از رقابت برای این دانشگاههای برتر باز می مانند. در لابلای مباحث قبلی و همچنین مباحث بعدی خواننده در می یابد که چقدر این تعارضات بین اهداف زیاد است. از دیدگاه مرتون اگر به قضیه نگاه کنیم در می یابیم که علاوه بر تعارض در اهداف، تعارضات بسیار زیادی بین اهداف و وسایل رسیدن به آنها وجود دارد.

بر این مبنای، «وقتی رقابت علمی از سطح ملی به سطح ناحیه ای یا استانی تقلیل می یابد، عنصر رقابت تضعیف می گردد و منجر به تقلیل سطح علمی پذیرفته شدگان خواهد شد» (مهرعلی زاده، رجیبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

مطالعه ای توسط پرند و همکارانش (۱۳۷۸) از داوطلبان برتر کنکور که مشمولان اصلی طرح بومی گزینی هستند و اغلب مطالعات متاسفانه از مطالعه نظرات آنها غفلت نموده اند، انجام شده که نتایج آن نشان می دهد که ۶۴ درصد افراد برتر کنکور، عدم امکان تحصیل در دانشگاههای برتر برای دانشجویان مناطق محروم را جزء اشکالات جدی طرح بومی گزینی دانسته اند. همچنین حدود ۳۰ درصد داوطلبان برتر کنکور از دانشگاه محل قبولی خود رضایت ندارند. البته در نسبت عدم رضایت، پسرها درصد بالاتری دارند (۴۰ درصد).

دختر دانشجویی از مشهد که بجای پزشکی، داروسازی یا دندانپزشکی، مجبور شده است دامپزشکی بخواند می گوید: با وجود اینکه ظرفیت ها هم برای پزشکی، هم دارو و دندانسازی زیاد شده بود. مثلا در شهرهایی مثل شاهرورد و سبزوار هم که پزشکی نداشتند، رشته پزشکی هم آمد ولی بخاطر طرح استانی سازی قبول نشدم. آیا ایران یعنی فقط تهران. در این صورت لطفا به سازمان ملل اطلاع بدهید که اسم کشور عوض شده (مهرعلی زاده، رجیبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

مغایه مهاجرت به تهران

بومی گرایان مدعی اند بسیاری از پذیرفته شدگان مناطق محروم پس از اقامت در شهرهای بزرگ پس از فراغت از تحصیل تمایلی به بازگشت به محل زندگی خود ندارند. معاون سازمان سنجش آموزش کشور اظهار نموده تشدید

مهاجرت به شهرهای بزرگ و کمبود نیروی انسانی متخصص در مناطق ۲ و ۳ از جمله مشکلات این مناطق است که منجر به طرح پذیرش بومی دانشجویان شده است (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

در خصوص این ادعا نیز نقدهایی باید وارد شوند:

سوال این است که چرا این تمایل وجود ندارد؟ جواب به این سوال را باید در سیاستهای تمرکزگرایانه و ناعادلانه دولت در توزیع منابع دانست. یعنی چیزی که باید اصلاح شود و به شکلی جدی تغییر یابد نحوه ی توزیع منابع است نه اصلاح آیین نامه ها و شیوه های گزینش. این ضعف های سیستم مدیریتی دولت است که باعث تشدید مهاجرت به شهرهای بزرگ می شود. بجای پاک کردن صورت مساله و اقدامات تسکینی باید ریشه های تمایل دانشجویان به شهرهای بزرگی مثل تهران و اصفهان و ... را بررسی کرد. برای کشف علتهای تمایل به مهاجرت، بد نیست طراحان این طرح، نگاهی به تئوریهای مهاجرت بیاندازند. تمرکزگرایی و الگوی توسعه نامتوازن، محرومیت نسبی، عوامل جاذبه مقصد و دافعه مبدا، سطح و رشد تکنولوژی و سطح بیکاری، عقلانیت در سرمایه گذاری و ... (حاج حسینی، ۱۳۸۵) بر تمایل به مهاجرت و تصمیم بر آن تاثیر می گذارند. بنابراین برای کاهش مهاجرت باید به شناسایی علل و اصلاح اشکالات ساختاری پرداخت.

نکته دیگر اینکه حتی برخی از متخصصین بومی در شهرستانها بعد از مدتی کسب مهارت و بدلیل اندیشه ترقی خواهی، انگیزه های اقتصادی، اشتها و یا بدلیل جاذبه ها و امکانات فراوان شهرهای بزرگ بویژه تهران به آنها مهاجرت می کنند این طرح برای این گروه پیش بینی و برنامه ای ندارد ضمن اینکه جریانی عکس فرایند پیش بینی شده توسط طراحان طرح است.

مطالعه معتمدی (۱۳۸۴) نشان داده است که سیاست تربیت نیروهای بومی به عنوان متخصص، توانسته است منجر به نگهداشت نیروهای متخصص در مناطق محروم شود. همچنین دیگر یافته های این مطالعه نشان داده است که متغیرهایی چون رضایتمندی شغلی، نوع استخدام، نوع منزل مسکونی و سن در میزان تمایل به انتقال از مناطق محروم موثر بوده اند.

علاوه بر این، ضد جریان دیگری نیز اتفاق خواهد افتاد و آن اینکه خیلی از خانواده ها برای جلوگیری از ضایع شدن حقوق خود قبل از کنکور (سال اول دبیرستان) به تهران و اطراف آن مهاجرت می کنند (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

باور شورای عالی انقلاب فرهنگی بر این است که استانها برای کیفیت بیشتر باید از نخبه های خود استفاده کنند و اگر این امر محقق نشود ظلم بزرگی به آنها روا داشته شده و عدالت اجتماعی در مورد آن منطقه نادیده گرفته می شود

(همان). نقد این ادعا آن است که زمینه کار برای بعضی تخصصها فقط در تهران و اطراف آن و یا در برخی شهرهای بزرگ وجود دارد و متخصصین مربوطه فقط در شهرهای بزرگ امکان اشتغال دارند.

ضعف بنیادی زیرساخت های استانها در زمینه امکانات آموزشی و صنعتی باعث می شود حتی در صورت پرورش مهارت، زمینه برای کار موجود نباشد و مهاجرت به تهران و خالی شدن شهرستان بوجود آید (همان) به این دلیل برخی متخصصین در تهران و شهرهای بزرگ باقی می ماند و به مناطق بومی خود نمی روند. با این پیشگفتار، می توان این پیشنهاد را داد که به شرط داشتن امکانات برابر، بومی گزینی در استخدام بجای بومی گزینی در کنکور هدف طراحان طرح را بیشتر برآورده می کند و می تواند راهگشاستر باشد.

اشکال دیگر این طرح آنست که مهاجرت به خارج و فرار مغزها را نیز افزایش می دهد. «بسیاری از داوطلبان ممتاز کشور به خصوص آنان که دارای رتبه های دو رقمی و سه رقمی (زیر هزار) هستند، بواسطه آنکه جزء ۲۵ درصد اولیه داوطلبان قرار می گیرند به راحتی می توانند از دانشگاههای خوب خارجی پذیرش همراه با بورس تحصیلی دریافت نمایند. حال بسیاری از اینان عملاً از پذیرش در رشته های ممتاز خارج از ناحیه خود در داخل کشور محروم خواهند بود و ترغیب به خروج از کشور می شوند و این سطح کیفی دانش را پایین می آورد» (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

• نقد پیش فرض تضادهای فرهنگی: انسجام ملی در مقابل هم شکلی اجباری

– الگوهای برخورد با تنوع قومی

در نقد پیش فرض دوم می خواهیم دو الگویی که برای قبل و بعد از طرح در برخورد با تنوع قومی و قومیتها وجود داشت را با هم مقایسه کنیم. الگوی اول مبتنی است بر تنوع گرایی قومی و فرهنگی و الگوی دوم یا مد نظر طرح الگوی همانند سازی است.

الگوی یکسان سازی یا همانندسازی که مشابه گزینش و جذب دانشجویان بومی در دانشگاه هاست به افزایش یکسان سازی محیط دانشگاهها منجر می شود. در الگوی همانندسازی، یک محیط بدون تفاوت قومی به وجود می آید. در این صورت، اختلافات فرهنگی – ساختاری کاهش می یابد و جامعه ای همگن و یکنواخت حاصل می شود. همانندسازی در یک جامعه طی چندین مرحله اعم از همانندسازی فرهنگی، ساختاری، مادی، هویتی، بینشی و مدنی ایجاد می شود. در این الگو، تنوع محصول دانشجو و دانش آموخته به حداقل خود می رسد. در این محیط به دلیل کاهش اتلاف و هدررفت انرژی، سرانه تولید خالص و راندمان افزایش می یابد اما علیرغم بالا بودن تولیدی خاص و راندمان، سیستم از پایداری کمی برخوردار است و به علت یکسان بودن محصولات و نبود تنوع، سیستم یا محیط در مقابل عوامل تخریب و مزاحم، شکننده و غیرقابل انعطاف می شود. در الگوی تنوع گرایی قومی، قومیت جای خود را به قومیتها بخشیده و محیط یا جامعه ای با چندین سطح و لایه به وجود می آید، ارتباطات سیستم پیچیده شده و افزایش می یابد، رقابت بین قومیت ها و گروهها افزایش می یابد، تبادل اطلاعات و ارتباطات به حداکثر خود می رسد و تنوع

محصولات (دانشجویان و دانش آموختگان) بیشتر می شود اما به دلیل افزایش انرژی نگهداشت، تولید خالص کاهش یافته و راندمان نیز کاهش می یابد و در مقابل، سیستم به پایداری و انعطاف نزدیک می شود. پیشنهاد برخی صاحب نظران بر این است با تلفیق دو الگو به الگوی سومی تحت عنوان الگوی وحدت در عین کثرت برسیم. الگوی وحدت در عین کثرت، تلفیقی از الگوی یکسان سازی و تنوع گرایی و ارتقای آن دو است. در پرتو وحدت، یکپارچگی، تعاون و اعتماد متقابل سرمایه عظیم اجتماعی شکل می گیرد. در الگوی وحدت در کثرت، امکان قیاس قومیت ها و گروهها فراهم شده و عوامل مخرب و مزاحم شناسایی می شود، این در حالی است که یک قومیت به تنهایی قادر به انجام چنین کاری نیست. بنابراین، توسعه و نوع قومیت ها در دانشگاه ها بدون توجه به هویت واحد و محوریت واحد نیز مشکلاتی از قبیل اختلاف در سطوح و لایه های جامعه را در پی خواهد داشت. برای جلوگیری از بروز مسائل و مشکلات و پیامدهای ناگوار این الگوها، توسعه الگوی وحدت در کثرت، اهمیت زیادی یافته و در دانشگاه به دلیل افزایش رقابت بین گروهها، تنوع توانایی ها و به کارگیری همه زمینه ها موجب پیشرفت علمی شده و در نتیجه، توسعه و پیشرفت جامعه را در پی خواهد داشت (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۹). براساس استدلال محققین، می توان ادعا کرد که مفهوم تکثر فرهنگی در سیستمهای آموزشی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان مورد پذیرش نسبی قرار گرفته است (توکلی و فکوهی، ۱۳۸۶).

– بومی گزینی یعنی افزایش تنش های قومی

وقتی نخبگان مناطق گوناگون به جای تعاملات و تجانس اجتماعی و فرهنگی، اجبارا در یک منطقه مستقر شوند به این معنا خواهد بود که ما به صورت غیر مستقیم رقابت های سیاسی، اقتصادی و منطقه ای در سطح کشور را دامن زده ایم (خندق و کوثری، ۱۳۹۷). یعنی رقابتهای فردی را به رقابت های منطقه ای و قومی و ناحیه ای تبدیل می کنیم و این بدان معناست که ما سطح رقابت ها یک یا چند لایه بالاتر برده ایم.

این موضوع زمانی اهمیت می یابد که به نقش و کارکرد قوم گرایی که بر طبل جدایی گروههای قومی در ایران می کوبند توجه بیشتری نماییم (خندق و کوثری، ۱۳۹۷). بومی گزینی سبب می شود با دست خود مرزبندی های سیاسی را دوباره بازآفرینی کنیم.

با این بازآفرینی مرزهای سیاسی در بین اقوام، قوم گرایان با استفاده از نارضایتی های نشأت گرفته از برخی سیاستهای نادرست دولت ها به تحریک نخبگان منطقه ای پرداخته و از این طریق بر ابعاد رقابت های منفی و سیاسی نمودن مسائل اقتصادی و اجتماعی می پردازند و روز به روز باعث جداافتادگی مناطق از سرزمین پدری می شوند (خندق و کوثری، ۱۳۹۷).

– تنوع قومی و همبستگی اجتماعی و ملی

هر چند رشد و گسترش نظام مند جامعه ی دانشگاهیان به عنوان هسته ی اصلی طبقه متوسط جدید، می تواند یکی از عوامل ارتقای همبستگی ملی و ایجاد هویت مشترک در سطح جامعه باشد اما برخی بر این باورند که عدم رشد و گسترش نظام مند می تواند به ضعف همبستگی ملی منجر شود.

درخصوص رابطه آموزش و همبستگی اجتماعی می توان دورکهایم را نخستین اندیشه ورزی دانست که بطور نظام مند درباره نقش تاریخی و کارکرد اجتماعی آموزش در قالب هم بستگی اجتماعی نظریه پردازی کرد. از زمانی که دورکهایم اثر بنیادین خود را نگاشت، موضوع همبستگی اجتماعی مورد توجه دانش پژوهان و سیاست گذاران واقع شد و در دهه های اخیر با وقوع تغییرات اساسی و فزاینده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، توجه به این موضوع بیشتر شده است به طوری که این مسئله در دهه ۱۹۹۰ م. در کانادا و سازمان های فراملی اروپایی مثل اتحادیه اروپا، شورای اروپا، باشگاه روم، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا و بانک جهانی و متأخرتر از آن توسط سیاستگذاران کشورهای کانادا، انگلستان، استرالیا و نیوزیلند مورد توجه قرار گرفته است درحالی که برداشت های کلاسیک، تحقق همبستگی اجتماعی را از طریق همانندسازی گروه های متنوع با زبان و ارزش های مشترک میسر می دانست، این هدف در اواخر قرن بیستم که از سیاست همانندسازی مشروعیت زدایی شد تغییر یافت و پس از آن همبستگی اجتماعی از طریق همگرایی و نه همانندسازی به هدف آموزش تبدیل شد که این مهم مستلزم سازگاری اجتماعی و التزام بیشتر به مراعات حقوق و ایفای مسئولیت های شهروندی بود. از این پس همبستگی اجتماعی اهمیتی محوری یافت و به مسئولیت مهم نهادها و نظام های آموزشی تبدیل شد (کریمی، ۱۳۹۰).

یکی از شیوه های ساختاری ایجاد و تحکیم همبستگی اجتماعی تمهید شرایط ادغام و تقویت پیوندهای اجتماعی است که به روش های گوناگون مثل سکونت در محله های مشترک، ازدواج های بین گروهی، زندگی مشترک در محیط های درسی، تفریح، باشگاه ها و ... میسر است تا از راه تشدید ارتباطات و تماس ها، آگاهی از دیگر گروه ها افزایش یافته، فاصله اجتماعی کاهش یابد و در مقابل پیوندهای مشترک فزونی گیرد. اگر از این منظر به شیوه جذب بومی گزینی نظام آموزش عالی کنونی ایران نگریسته شود می توان گفت که این شیوه در راستای تقویت ارتباطات بین قومی نیست، فاصله اجتماعی بین اعضای گروه های قومی را تضعیف نمی کند، فرایند ادغام اجتماعی را تسهیل نمی کند و به انباشت سرمایه اجتماعی مدد نمی رساند (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین به نظر می رسد بازاندیشی در شیوه گزینش دانشجو می تواند به ارتقای نقش همبستگی ساز آموزش عالی منجر شود (کریمی، ۱۳۹۰).

پژوهش هایی توسط سهراب زاده و همکاران (۱۳۹۹) و صالحی عمران و عالیشوندی (۱۳۸۸) انجام شده که مویده این ادعاست. سهراب زاده و همکارانش در مطالعه خود نشان داده اند که اغلب مسئولین درگیر با طرح بومی گزینی بر این نظرند که این طرح به همبستگی ملی کمکی نمی کند ۷۸،۵ درصد این افراد، مخالف این نظر بودند که طرح بومی گزینی به تامین همبستگی ملی کمک می کند و تنها ۲۱،۵ درصد موافق این برداشت بوده اند (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۹). در پژوهش عمران صالحی و همکارانش نیز که در آن از دو گروه مدیران آموزش عالی در وزارت علوم و دانشجویان چهار دانشگاه الزهراء، شیراز، هرمزگان و مازندران درباره بومی گزینی دانشجو، نظرخواهی شده است، این نظر تایید می شود. از منظر متقاضیان آموزش (دانشجویان) و عرضه کنندگان (مدیران آموزش عالی)، پذیرش دانشجویان بومی مانعی برای تبادل فرهنگ ها و خرده فرهنگ هاست و موجب شناخت کمتر اقوام از یکدیگر می شود که این امر به انسجام و همبستگی ملی خدشه وارد می کند. به این مسئله در پنل ۱۵ آینده پژوهی سیاست بومی گزینی در پذیرش

دانشجو و آینده آن نیز تأکید شده و کاهش پذیرندگی چند فرهنگی و تعاملات فرهنگی بین دانشجویان مناطق و اقوام مختلف از پیامدهای این سیاست ذکر شده است (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۹). دانشجویی در مصاحبه اش به این نکته اشاره کرده است که عدم تنوع فرهنگی مانع تبادل تجربیات مختلف است:

«هیچ وقت نتوانستم از خودم فراتر روم، چرا که آدم‌های اطرافم همه شبیه خودم بودند و تجربه جدیدی نداشتیم که به یکدیگر منتقل کنیم» (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

عطف به مباحث بالا می‌توان نتیجه گرفت سیاست بومی‌گزینی در دانشگاهها در ایران هر چند در بدو امر مساله‌ای است که صرفاً به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی مرتبط است اما با عنایت به جایگاه و موقعیت اجتماعی و فرهنگی ایران، موقعیت جغرافیایی احاطه شده از سوی دولتهای جدید التاسیس با قرابت فرهنگی با اقوام هم‌مرز ایران، ایدئولوژی‌های قومی و اگراییانه، وجود برخی آمارها که حکایت از رشد احساسات قومی در بین اقوام ایرانی دارد و در نهایت با توجه به اصل مهم سرایت نتایج و پیامدها در برنامه ریزی به سایر حوزه‌ها، این مساله اثرات قابل ملاحظه‌ای بر وحدت و انسجام اجتماعی ایرانیان خواهد داشت. چطور انتظار داریم کسانی که از امکانات و دارایی‌های این مملکت بطور یکسان بهره‌مند نمی‌شوند فردا در صورت حمله دشمنان خارجی به گوشه‌ای از این مرز و بوم احساس وظیفه در دفاع از آن نقطه کنند؟ اینجور محدودیت‌سازی‌ها به صلاح یک میهن و یک پرچم نیست (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

– اختلاط اجتماعی و سرمایه اجتماعی

بنابر تأکید ایران‌شناسان، ایران زمین محل اختلاط و آمیختگی نیروهای اجتماعی متعدد و اقوامی است که هر کدام به انگیزه‌ای وارد این سرزمین شده‌اند (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۰). جز در موارد محدود، اختلاط جمعیتی در ایران بالا بوده است. این اختلاطها و در هم آمیزی اقوام ایرانی، نه امری متاخر بلکه در گستره تاریخ چند هزار ساله انجام پذیرفته و لذا اقوام ایرانی جزو بومیان همین سرزمین محسوب می‌شوند. دانشگاه مکانی است که گفت و گوی بین فرهنگها می‌تواند سازوکاری مناسب جهت فراهم کردن همگرایی قومی ایجاد کند (همان).

از زوایای دیگر، اختلاط اجتماعی^۳ به بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی افراد و گروهها کمک می‌کند. یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی اشاره به معاشرت و رفاقت فرد با طبقات مختلف اجتماعی، نهادها، اقوام، مذاهب و ادیان مختلف دارد. به عبارتی هر چه فرد با طبقات و گروه‌های متعلق به نهادها و مذاهب مختلف در ارتباط باشد و با آنها حالت دوستی ایجاد کرده باشد، موجب فزونی سرمایه اجتماعی می‌شود (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۳۹۳). بومی‌گزینی مانعی جدی برای اختلاط اجتماعی است. تئوریهای متعددی بر وجود ارتباط بین این دو تأکید می‌کنند. پژوهشهای متعددی هم در این زمینه انجام شده‌اند که در زیر به آنها اشاره خواهد شد.

³ Social mixing

گرانوتر معتقد است که روابط منسجم بین اعضای یک گروه منجر به روابط ضعیف با اعضای گروههای خارجی شده و سرمایه اجتماعی را کاهش می دهد و در مقابل، پیوندهای ضعیف درون گروهی موجب ایجاد روابط با افراد و گروههای خارجی شده و به ایجاد سرمایه اجتماعی می انجامد (صالحی امیری، ۱۳۸۵). بومی گزینی پیوندهای درون قومیتی را قوی تر می کند و پیوندهای بین اقوام را تضعیف می کند. بر مبنای این تئوری، بومی گزینی به کاهش سرمایه اجتماعی شبکه ای و فرسایش نهایی آن منجر خواهد شد.

منتقدان بر این نظرند که با توجه به شرایط داخلی و منطقه ای ایران، اصولاً سیاست گذاری آموزشی باید علیه شکاف های قومی در کشور باشد. براساس تئوری شکاف ساختاری نیز بازارها، سازمانها و افرادی که باهم در ارتباط هستند در صورتی که روابط میان آنها ساختار نیافته، بی نظم و تعریف نشده باشد، به عنوان یک سرمایه سودآور برای آنها تلقی خواهد شد و هرچه روابط میان آنها منظم تر و ساختارمندتر باشد از این سرمایه کاسته می شود. به طور کلی، رسمیت و قانون مند شدن ساختاری با سرمایه اجتماعی در تعارض است. مطابق این تئوری، برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی، هرچه اندازه شبکه وسیع تر و تراکم و سلسله مراتب موجود در آن کمتر باشد میزان سرمایه رو به فزونی می باشد (صالحی امیری، ۱۳۸۵). براساس این تئوری، گسترش شبکه های اجتماعی افراد و ایجاد تراکم در آن به افزایش سرمایه اجتماعی منجر می شود. با این وصف، بومی گزینی مغایر با این پیش فرض عمل می کند و شبکه های اجتماعی را محدودتر کرده و سرمایه اجتماعی را کاهش می دهد.

از دیدگاه نظری دیگری نیز می توان به قضیه نگاه کرد. براساس نظر فوکویاما، سیستمهای بسته که دارای ارتباط با محیط بیرون خود نیستند دارای سرمایه اجتماعی مناسبی نمی باشند. بر این اساس گروههای که حتی دارای تعداد اعضای زیاد، منسجم و دارای اعتماد به یکدیگر هستند اگر نتوانند با گروههای دیگر ارتباط موثری برقرار کنند، نمی توانند دارای حیات و رشد طبیعی بوده و از فرصتهای موجود در محیط خود استفاده کنند و قطعاً به دلیلی ناهماهنگی با محیط بیرونی خود دچار مشکلات جدی خواهند شد (صالحی امیری، ۱۳۸۵). بومی گزینی بر اساس نظر فوکویاما ایجاد سیستمی نسبتاً بسته است که با محیط بیرون خود پیوند ندارد و در این حالت سرمایه اجتماعی مناسب و حیات و رشد طبیعی نخواهد داشت.

اما از میان پژوهشهای انجام شده در ارتباط بین این دو مفهوم می توان به پژوهشهای باصری و همکاران و همچنین مطالعه نادعلی اشاره کرد. پژوهش باصری، عباسیان، کریمی (۱۳۹۶) در استان آذربایجان غربی نشان داده است که رابطه مثبت و معنی داری بین سرمایه اجتماعی و همگرایی قومی در بین افراد مورد مطالعه وجود دارد. نتایج مطالعه نادعلی (۱۳۹۴) نیز رابطه بین دو متغیر را تایید می کند.

– منابع باارزش و بومی گزینی

براساس تئوری منابع اجتماعی، اعضای شبکه دارای منابع باارزشی هستند که می تواند فرد را در رسیدن به اهداف یاری رساند (صالحی امیری، ۱۳۸۵). مبتنی بر این تئوری، بومی گزینی میزان ارتباطات شبکه ای و میزان دسترسی افراد

به منابع با ارزش را کاهش می دهد و به کاهش سرمایه اجتماعی می انجامد که خود با واگرایی قومی و تضادهای قومی ارتباط تنگاتنگی دارد.

- تحریم، پذیرش و اختلاط اجتماعی

نهادهای آموزشی و علمی (مثل مدارس، دانشگاهها) از جمله نهادهایی هستند که در بحث تحریم / پذیرش⁴ مورد توجه بوده‌اند. طبق تعریف سوزان کنیون و همکارانش⁵ تحریم اجتماعی، اثر متقابل و منحصر به فرد تعدادی از عوامل است که نتیجه آن «عدم پذیرش» فرصت دسترسی یک فرد یا گروه در جامعه به مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه است که نه تنها به کیفیت مادی و غیر مادی نامناسب زندگی، بلکه به فرصتها، گزینه‌های زندگی نامناسب و نیز شهروندی تنزل یافته منجر می‌شود. (Kenyon, 2002).

نظریه پردازان طرد (تحریم) اجتماعی یک از راههای ممانعت از طرد را اختلاط اجتماعی افرادی می دانند که در مرکز و پیرامون قرار دارند. میزان تحریم اجتماعی در واقع مسئولیت‌پذیری جامعه را در قبال تدارک فرصت‌های برابر برای همه یادآور می‌شود (Soulet, 2006).

فوکو، هابرماس و مرتون از جمله کسانی هستند که در زمینه تحریم توسط نهادهای آموزشی بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند. هابرماس نیز بر این فرض است که یک عامل منفرد قابل تشخیص پشت یک قدرت آموزشی وجود دارد. این عامل می‌تواند یک حزب سیاسی در یک حکومت، یک گروه ذی نفع قوی یا یک نهاد اجتماعی مثل خود مدرسه [یا دانشگاه] باشد. دیدگاه هابرماس در پی ایجاد جامعه‌ای مدنی است که در آن فضا برای ارتباطات و اشتراک روایتها⁶ باز است. این مورد برای مدرسه [یا دانشگاه] نیز قابل اطلاق است، مدرسه‌ای [یا دانشگاهی] که فضایی است باز و به لحاظ اجتماعی پذیرش‌گرا (Merton, 1972). بومی گزینی فضا را برای ارتباطات و اشتراک روایتها می‌بندد و به نیروی ورای این نهاد آموزشی قدرت می‌بخشد.

بر این مبناست که برخی معتقدند سیاست بومی سازی با هدف کاهش فعالیت سیاسی دانشجویان طراحی شده است. به این معنا که دانشجویان شهرستانی در امور سیاسی فعال تر عمل می‌کنند و این برای محدود کردن حضور آنها در دانشگاههای تهران که کانون فعالیت های سیاسی است اتخاذ شده است، هم چنین این طرح باعث کم رنگ ساختن جنبش های زنان به دلیل کمیت بالاتر آنان در آموزش عالی می شود (مهرعلی زاده، رجبی معماری، الهام پور، ۱۳۹۱).

⁴ Exclusion / inclusion

⁵ Susan Kenyon et al

⁶ sharing of narratives

مرتون نیز در خصوص نقش قدرت در دانش بحثی را تحت عنوان بیرونی ها و درونی ها مطرح کرده است. براساس دکترین «درونی ها»، تفاوت‌هایی الگومند در میان گروه‌ها و اقسام اجتماعی در دسترسی به انواع خاصی از شناخت و دانش وجود دارد. این دکترین در افراطی‌ترین شکل مدعی است که به عنوان یک اصل شناختی می‌توان گفت که برخی گروه‌ها دسترسی ممتازی به شناخت دارند در صورتی که دسترسی به شناخت برای گروه‌های دیگر در عین حالی که ممکن است اما هزینه و خطر زیادی دارد (Merton, 1972). طرح بومی‌گزینی بدلیل انحصار منابع و کاهش دسترسی برابر و عادلانه به فرصت‌های آموزشی به بی‌عدالتی شناختی و دسترسی گروه‌های ممتاز به دانش منجر خواهد شد.

ادواردز و همکارانش معتقدند بحث تحریم عمدتاً در بطن فلسفه‌ای از یکدست کردن قرار می‌گیرد که تفاوت را انکار می‌کند. این فلسفه یکی کردن از رویکردهای یکپارچه‌کننده حمایت می‌کند. این فلسفه در جنبه منفی خودش به تفکر استعمارگرانه نیز منجر شده است (Edwards et al, 2001).

– اختلاط قومیتی: ایجاد تنوع در بازار ازدواج

ازدواج یکی از عواملی است که می‌تواند منجر به توسعه و بسط سرمایه اجتماعی فرد بویژه در حوزه رابطه ای گردد. این توسعه از طریق تعدد منابع ارائه دهنده حمایت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. این منابع جدید شامل: محیط خانواده، دوستان، خویشاوندان و همکارانی می‌شود که از طریق ارتباط با یک ساختار خویشاوندی دیگری بدست می‌آید. مطابق با نظرات اندیشمندان این حوزه، سرمایه اجتماعی رابطه ای می‌تواند به اشکال مختلف سرمایه تبدیل شود (غنیمتی و مهدوی، ۱۳۸۷).

تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که ازدواج و تاهل رابطه مستقیمی با دست آوردها و موفقیت‌های تحصیلی دانشجویان دارد. مطالعه صورت گرفته توسط فلدمن بر روی دانشجویان دوره دکترا نشان می‌دهد که ازدواج تاثیر مثبتی بر روی دستاوردهای تحصیلی آنها داشته است. همچنین، ازدواج بر روی میزان ماندگاری و زمان لازم برای فارغ التحصیل شدن دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی تاثیرگذار است (غنیمتی و مهدوی، ۱۳۸۷).

مطالعه غنیمت و مهدوی (۱۳۸۷) نشان داده است که ازدواج تاثیرات مثبتی بر وضعیت تحصیلی، وضعیت شبکه روابط، وضعیت تهذیب نفس، وضعیت سلامت روانی و جسمی، ترقی شغلی و حمایت دانشجویان دارد:

جدول ۱: تاثیر ازدواج بر وضعیت تحصیلی، سلامت جسمی و اجتماعی

اختلاف میانگین	میانگین		متغیرها
	نمره بعد از ازدواج	نمره قبل از ازدواج	
۰/۰۵۴	۳/۰۲۰۲	۲/۹۶۶۲	وضعیت تحصیلی
۰/۰۷۵۲	۲/۳۵۳۴	۲/۲۷۸۲	وضعیت شبکه روابط
۰/۵۵۷	۳/۷۴۹۶	۲/۱۹۲۶	وضعیت تهذیب نفس
۰/۳۵۳۴	۳/۱۶۶۴	۲/۸۱۳۰	وضعیت سلامت روانی و جسمی
۰/۲۹۰۸	۲/۸۲۶۳	۲/۵۳۵۵	وضعیت ترقی شغلی
۰/۵۷۸۲	۳/۰۱۳۲	۲/۴۳۵۰	دریافت حمایت

غنیمتی و مهدوی، ۱۳۸۷

پیشنهاد نویسندگان این مطالعه آنست که پیوندهای درون گروهی در ازدواج کمتر شود و پیوندهای برون گروهی زیادتر شود (غنیمتی و مهدوی، ۱۳۸۷).

ازدواج تحت تاثیر عوامل فردی و ساختاری است که می توان آن را در قالب سه دسته کلی قرار داد: خصایص بازار ازدواج، ویژگیها و ترجیحات فردی و ترجیحات شرکای سومی مانند دین، اجتماع محلی، والدین و گروه همآلان و ... برای ازدواج، شرکای بالقوه ای در چشم اندازی که فرد در آن زندگی می کند باید وجود داشته باشد. از این منبع شرکای بالقوه معمولاً با عنوان «بازار ازدواج» نام می برند. این منابع بر حسب گستره ی جغرافیایی^۷ - افق ازدواج^۸ - و در دسترس بودن شرکای بالقوه ازدواج درون گستره ی جغرافیایی - یعنی احتمال ملاقات با فردی دارای ویژگیهای جذاب مشخصی، متغیر است. هر چه این منبع بزرگتر باشد، احتمال اینکه یک فرد دقیقاً افرادی مشابه ویژگیهای خود را نبیند زیاد می شود. به عنوان مثال، به میزانی که سهولت مسافرت در مسافت های طولانی تر زیاد می شود، تعداد کاندیداهای بالقوه برای ازدواج . تنوع در این ویژگیها زیاد می شود (Van Leeuwen & Mass, 2019).

شواهد نشان می دهند که دانشجویان در برخی از موارد به دانشگاه به عنوان یک بازار همسرگزینی نگاه می کنند و بر این مبنا دانشگاه کارکرد پنهان بازار ازدواج را نیز ایفا می کند. براساس تئوری بازار ازدواج، بومی

⁷ Geographical scope

⁸ Marriage horizon

گزینی فرصتهای مسافرت به حوزه های جغرافیایی گسترده تر را می گیرد و بازار ازدواج و افق ازدواج را در میان دانشجویان کاهش می دهد. ای امر به نوبه خود به کاهش تنوع ژنتیکی نیز منجر می شود.

کربوئن، موگستاد و لیوون⁹ دانشگاه و نوع تحصیلات دانشگاهی را به عنوان بازاری برای ازدواج¹⁰ در نظر می گیرند و معتقدند مسیر تحصیلات دانشگاهی مسیری مهم اما مورد غفلت واقع شده است که افراد در آن به ازدواج مبادرت می ورزند. همچنین آنها معتقدند که تحصیلات دانشگاهی اثر علی بر اینکه فرد آیا ازدواج کند یا نه و با چه کسی، می گذارد. تحصیل در رشته ای یکسان اما در موسسه ای مشترک شانس ازدواج فرد را با هم رشته ای های او بالا می برد. این شانس البته در رشته های متفاوت و دانشکده های متفاوت هم وجود دارد (Kirkebøen, Mogstad & Leuven, 2021). البته افراد اغلب دنبال زوجهایی با تحصیلاتی مشابه تحصیلات خود هستند (Pestel, 2017) بنابراین در یک جمع بندی، یافته های این محققین نشان می دهد که دانشگاهها اثری بسیار زیاد بر بازارهای محلی ازدواج می گذارند [یعنی بازار ازدواج محلی خارج از دانشگاه را نیز تحت تاثیر خود می گذارند و به این بازارها نیز تنوع می بخشند]. مطالعه نیلسن و اسوارر¹¹ در دانمارک نیز نشان می دهد که دانشجویان متمایل به ازدواج با دانشجویان هم دانشکده ای خود یا دانشکده های مجاور هستند (Kirkebøen, Mogstad & Leuven, 2021).

در دسترس بودن زوج مناسب در محل¹² با تحرک ازدواجی رو به بالا¹³ و همگنی ازدواج ارتباط مثبتی دارد (Lichter et al, 1995). دانشگاهها محل مناسبی برای این زوجهای در دسترس و همگن [به لحاظ تحصیلی] هستند. بنابراین تنوع در این بازار به تنوع ازدواج و زوجها نیز منجر خواهد شد. بومی گزینی تنوع در این بازار را کم می کند و قدرت انتخاب در این بازار را محدود می کند. از نظر لیختر و همکارانش نظام آموزشی دانشگاهی بازار بسیار مهمی برای ازدواج افراد دارای مهارت بالاست نشان داد تحقیق آنها نشان داد که وجود مازاد در بازار ازدواج و نقصان در بازار محلی ازدواج بر الگوهای همسان همسرگزینی تاثیر دارد. (Lichter et al, 1995). دانشگاه می تواند با ایجاد تنوع در این بازار نقصان در بازار محلی برای ازدواج را جبران نماید.

- قطب بندی فضایی و قطب بندی اجتماعی

⁹Kirkebøen, Mogstad & Leuven

¹⁰ marriage market

¹¹ Nielsen and Svarer

¹² Local mate availability

¹³ Upward marriage mobility

سازماندهی سیاسی فضا مرزبندی برای ارائه هرچه بهتر امکانات، تسهیلات، خدمات عمومی و اداره عمومی کشور و درنهایت، تسهیل اعمال حاکمیت است. سازماندهی فضایی رابطه تنگاتنگی از یک سو با الگوهای رشد و توسعه اقتصادی و از سوی دیگر، با الگوهای کالبدی فضایی دارد این سازماندهی با هدف بهینه کردن مکانها و بهینه کردن کارکردها و فعالیتهای صورت می گیرد (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۸).

فضا و مولفه‌های اجتماعی دارای رابطه دوسویه با هم هستند و برای تحلیل باید به این رابطه دقت داشت (Kaplan, 2004,202).

طبق نظریه جغرافیای اجتماعی کنش ورنلن، فضا هم متأثر از مولفه‌های اجتماعی و هم موثر بر آنان است. به عبارت دیگر فضا و روابط و فرآیندهای اجتماعی لازم و ملزوم همدیگر محسوب می‌شوند و در مقام تحلیل‌گر نمی‌توان هر یک را بدون در نظر گرفتن دیگری تحلیل کرد. فضاگرایی مطلق و نفی کامل فضا، راه به جایی نخواهد برد و بنابراین، برای تحلیل فرآیندهای اجتماعی، توجه به فضا و رابطه دوسویه آن با فرآیندهای اجتماعی در خلق رفتارهای اجتماعی، ضروری است. با اتخاذ چنین رویکردی است که می‌توان به تحلیل منطقی از رابطه فضا و فرآیندهای اجتماعی نائل آمد (بلالی، مخدومی، ۱۴۰۰).

نظریه بنوورلن با عنوان نظریه جغرافیای اجتماعی کنش، نام‌گذاری شده است. این نظریه دارای ریشه فلسفی متأثر از دیدگاه ربطی متعلق به دکارت است. وی از اندیشمندان بسیاری تأثیر پذیرفته است که یکی از آنها، مارتین لوی ۱۴ می‌باشد. مارتین لوی ایده‌ی "مدل‌های ربطی فضایی" را توسعه داد که بیشتر بر روی "نظم‌یابی هستی‌ها و وقایع اجتماعی و نیز اینکه فضا چگونه بر روی فرآیندهای ادراک، نام‌گذاری و وقایعی مانند این‌ها تأثیر می‌گذارد تأکید می‌کند. از نقطه نظر جامعه‌شناسی، وی پیرو نظریه ساخت‌یابی ۱۵ گیدنز است. وی مفهوم "دوگانگی فضا" را جایگزین مفهوم "دوگانگی ساختاری" گیدنز کرد. ایده اصلی وی این بود که افراد به عنوان "عاملان" اجتماعی، کنش‌هایشان به ساختارهای اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و درنهایت ساختارهای فضایی مرتبط است (Ubesekeera & Luo, 2008, 10).

نکته مشترک این دیدگاه‌ها آنست که قطب بندی اجتماعی نتیجه‌ی فضایی خاصی دارد. مطالعات مختلف نشان داده اند که این قطب بندی اجتماعی به جدایی فیزیکی منجر شده است.

• نقد پیش فرض مصون سازی اخلاقی و آسیبهای فرهنگی

رویکرد دیگری که می‌توان در حوزه بومی گزینی دانشجویان اشاره داشت، مبتنی بر مؤلفه تأمین اخلاقی و مصون سازی فرهنگی است. حامیان دیدگاه نظارت خانواده معتقدند نقش نهادهای کنترلی و نظارتگری چون خانواده سپر مقاومتی تلقی می‌شود در برابر سوءاستفاده از آزادی‌هایی که می‌تواند دانشجویان را تهدید کند. به

¹⁴Low

¹⁵Structuration

عبارتی، حضور خانواده در جوار محل تحصیل دانشجو هم از حیث حمایت عاطفی و اخلاقی از دانشجو و هم از بعد روانی و ممانعت از آسیب های روانی مهم تلقی می شود (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۹). پاره ای از ائمه جمعه نیز با مثبت ارزیابی کردن آن در جهت حفظ بنیان خانواده و پایه های فرهنگی اجتماع، حمایت خود را از آن اعلام کرده اند (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

در نقد این مباحث نیز نکاتی می توان اشاره کرد که برخی از آنها به استدلال های نظری مرتبط است و برخی منوط به مطالعات تجربی است.

مقصر دانستن محیط خوابگاه در بروز انحرافات اخلاقی و اجتماعی، به چند دلیل ناشی از کوتاه بینی علمی است. اول تلقی استقلال فضا و اثر آن بر روابط اجتماعی. این تفکر، مبتنی است بر جبرگرایی و دترمینیسم فضایی و علیت بخشی به خوابگاه که چندان و جاهت علمی ندارد و همانگونه که در بحث دیدگاه های فضایی و ارتباط آن با قطب بندی اجتماعی خواهیم گفت این خود فضا نیست که باعث آسیب یا تعالی می شود بلکه روابط اجتماعی درون فضا است که می تواند آسیب زا یا تعالی بخش باشد.

دوم، نگاه تک بعدی به مساله انحرافات. علت انحرافات اخلاقی و اجتماعی متعددند. با علم به اصول حداقلی جامعه شناسی و روانشناسی و حوزه های دیگر علوم انسانی می توان فهمید که علل روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... زیادی در بروز انحرافات اخلاقی و اجتماعی در سطوح متعدد کلان، میانی و خرد دخیل بوده و انحرافات محصول برهم کنش بسیاری از عوامل در سطوح مختلف خرد و میانی و کلان است.

سوم، محیط دانشگاه اگرچه مناسبتها و روابط خاص خود را دارد اما متشکل از افرادی است که خود بخشی از نهادهای دیگر و نماینده ارزشها و هنجارها و استانداردهای آنها هستند. استانداردها و هنجارها و ارزشهای افراد اغلب خلق الساعه نبوده و فقط در خوابگاه شکل نمی گیرند. پیشینه های ارزشی، هنجاری، اخلاقی افراد سهم مهمی در ایفای نقش آنها در خوابگاه و دانشگاه و حتی جامعه دارند. این پیشینه ها از خانواده، رسانه ها، مدارس، نهادهای دینی و بسیاری از نهادهای دیگر مثل سیاست و اقتصاد و حتی شخصیت افراد ریشه می گیرند. اتصال انحرافات اخلاقی به دانشگاه و محیط خوابگاه، به معنای نادیده گرفتن نقش سایر نهادها و شخصیت افراد در بروز این انحرافات است. در کنترل و اشاعه ی این انحرافات نیز نقش این نهادها را هم نمی توان نادیده گرفت. برخی از انحرافات ریشه در خرده فرهنگها و نوع جامعه پذیری قبلی افراد دارد و قصور نهادها و پروسه های قبلی را نباید نادیده گرفت.

چهارم، دانشگاه و خوابگاه آینه ای از فرهنگ جامعه و به نوعی مینیاتوری از آن هستند. البته نمی توان ارتباط دو طرفه دانشگاه و جامعه و بر هم کنش آنها بر همدیگر را رد کرد اما این فرهنگ کلی جامعه و میزان

همسازی عناصر درون آن و نهادهای مسئول آن است که میزان انحرافات در جامعه و به تبع آن دانشگاه و خوابگاه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. نتایج پژوهش پاشایی با عنوان «آسیب‌های سبک زندگی دانشجویی و راهکارهای برون رفت از آن‌ها» نشان داد سبک زندگی دانشجویی در ایران بازنمودی از سبک زندگی مردم این سرزمین است (قدرتی و مقصودزاده، ۱۳۹۸). در این راستا بد نیست اشاره‌ای به مطالعه و نیز مصاحبه‌ای داشته باشیم که این ادعا را تایید می‌کند:

«رفت و آمد از بیرجند تا همدان برایم کار آسانی نبود. مسائلی مانند مزاحمت همیشه وجود دارد، چه در شهر خودت باشی، چه هزار کیلومتر از خانواده ات فاصله داشته باشی، چه صد کیلومتر. مهم این است که دختران اعتماد به نفس دفاع از خودشان را داشته باشند و مردم و نیروهای انتظامی هم از آنها حمایت کنند» (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

بر این اساس، جامعه باید دنبال راهکارهای مصون‌سازی اجتماعی دختران و پسران در هر جایی که هستند باشد نه اینکه با حذف دختران و یا پسران صورت مساله را پاک کند. ضمن اینکه این وضعیت نشان می‌دهد که بعضی نهادهای مسئول مصون‌سازی و حمایتی نقش ناکارآمدی دارند. فکوهی در تایید این ادعا می‌گوید:

«درباره آسیبهای اجتماعی اشاره به این نکته هم ضروری است که اگر ما شهرهای بزرگ مثل تهران را آسیب‌زا می‌دانیم باید این آسیب‌زائی را به کمک سازوکارهای خاص آن حل کنیم. نه اینکه با دست زدن به سیستم دانشگاهی در صدد حل آن بزنیم. دانشگاه و سیستم دانشگاهی ابزار آسیب‌زائی نیست ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که دائما همه ابزارها به صورت کژکارکردی مورد استفاده قرار می‌گیرند. مثلا دخترانی که نمی‌توانند به طریق دیگری اجتماعی شوند از طریق سیستم دانشگاهی این کار را انجام می‌دهند. در حالیکه اگر تعدادی از دختران بتوانند با همان مدرک دیپلم وارد بازار کار شوند و ارزش اجتماعی پیدا کنند به دانشگاه نخواهند آمد. چون تنها هدف شان یعنی حضور در جامعه را از راه دیگری محقق خواهند کرد. استفاده از سیستم‌های کژکارکردی به همان اندازه، آسیبهای اجتماعی را در جامعه افزایش خواهد داد (فکوهی، ۱۴۰۰).

پنجم، همانگونه که گفتیم شکی نیست که محیط اجتماعی (و نه محیط فیزیکی) خوابگاه اثرات دو گانه‌ای بر رفتار افراد دارد. برای برخی آسیبهای اجتماعی و روانی به همراه دارد اما برای برخی دیگر مظهر رشد و شکوفایی و استقلال آموزش مهارت‌های اجتماعی و مدارای اجتماعی است. طراحان طرح فقط به نیمه خالی لیوان خوابگاه نگریسته‌اند و از آثار مثبت خوابگاه و زندگی خوابگاهی به عمد یا ناآگاهانه غفلت کرده‌اند. در

زیر به مطالعات متعددی اشاره خواهیم داشت که به نیمه پر لیوان نگریسته اند و شواهدی از آثار مثبت زندگی خوابگاهی اشاراتی داشته اند.

قدرتی و مقصودزاده (۱۳۹۸) در مطالعه ای کیفی از زندگی در خوابگاه در میان دانشجویان دختر و با استفاده از مفاهیم استخراج شده نشان داده اند که سبک زندگی خوابگاهی پیامدهای مثبتی در ابعاد فردی برای این دانشجویان دختر به همراه داشته است از جمله: افزایش استقلال فردی در زندگی خوابگاهی، مدیریت هزینه های اقتصادی، بالا رفتن قدرت درک و مدارا، بهبود تعاملات اجتماعی. به طور کلی نتایج تحقیق بیانگر این است که آزادی و استقلال عمل افراد در زندگی خوابگاهی بیشتر از زمانی است که به همراه خانواده زندگی می کنند و اکثر دانشجویان علی رغم وجود مشکلات زندگی خوابگاهی، این سبک زندگی را بر زندگی به همراه خانواده ترجیح می دهند. نتیجه این مطالعه کاملاً مخالف ادعای موافقان طرح بومی گزینی است که مدعی بودند دوری ناگهانی و زود هنگام دانشجویان از خانواده اش می تواند آسیب شدید روحی دیگری را به او وارد کند.

مصاحبه دو دانشجو در این زمینه می تواند به درک بهتر مطلب کمک نماید:

یک دانشجو در این زمینه گفته است: «در دوره جوانی برای افراد مهم است که زندگی مستقلی را تجربه کنند و تحصیل در شهری دیگر به آنها کمک می کند زودتر مستقل شوند. به قول مادرم دخترها اگر در خانه بمانند مثل گیاهی که به جایی تکیه داده باشد ضعیف می ماند، اما وقتی از خانواده جدا می شوند، یاد می گیرند روی پای خودشان بایستند» (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

دیگری می گوید:

«ابتدا پدرم علاقمند بود در شهری نزدیک درس بخوانم، خودم دوست داشتم در شهری قبول شوم که از خانواده ام فاصله داشته باشم و فرصت کنم مستقل شوم» (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

اما مساله دیگری که وجود دارد آنست که دانشجویان در تعارض شناختی بین رشته خوب و خانواده، معمولاً رشته خوب را بر می گزینند تا خانواده:

«او هنگام انتخاب رشته بیش از اینکه به فکر ماندن در کنار خانواده باشد، تلاش کرده است در رشته مورد علاقه اش پذیرفته شود. برای پدر و مادرش هم اعتبار علمی دانشگاه بیش از هر چیز اهمیت داشته است» (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱).

نهادهای حمایتی می توانند در این زمینه به حل این تعارض نیز کمک کنند. مطالعه نخئی در دانشگاه زابل نشان داد که دانشجویان برای غلبه بر احساس غربت نیاز به آموزش مهارت های تطبیق با محیط جدید دارند.

مطالعات حاکی از آن است که این شرایط محیط خوابگاه است که باعث ایجاد اثرات مثبت و یا منفی در زندگی خوابگاهی می‌شود و مدیران و مسئولان داخلی خوابگاه با انجام انواع تمهیدات می‌توانند خوابگاه را به محیطی امن جهت بهداشت روان تبدیل کنند از طرفی وجود دفاتر مشاوره، کلاس‌های فوق برنامه و شرایط فیزیکی مناسب می‌تواند از اثرات منفی کاسته و بر اثرات مثبت اضافه نماید. واتاناساروچ در مطالعه‌ای به آموزش استانداردهای محیط خوابگاه به تعدادی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی و کارکنان خوابگاه‌ها پرداخت و سپس نتایج نظارت و رعایت موارد را توسط آنان ارزیابی نمود نتایج مطالعه وی نشان داد این آموزش موجب بهبود وضعیت خوابگاه گردیده است. بساک نژاد نیز در مطالعه‌ی خود بر روی دانشجویان بیان نمود که آموزش مهارت‌های اجتماعی به صورت معنادار باعث کاهش حساسیت بین فردی دانشجویان در خوابگاه می‌شود. مطالعه سلطانی نشان داد که دانشجویانی که دارای هوش فرهنگی بالاتری هستند در تغییرات محیطی کمتر دچار بحران می‌شوند. او پیشنهاد نمود با آموزش‌های رسمی و غیر رسمی توانایی دانشجویان را در این حیطه افزایش دهند. از موارد دیگری که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفت بررسی نظرات دانشجویان پیرامون محیط خوابگاه و نقش آن بر بهداشت روانی بود. آنان بیان نموده بودند که محیط مطلوب خوابگاه در کاهش استرس و انبساط روحی آن‌ها موثر است (جوهری و همکاران، ۱۳۹۳).

افراد ساعات زیادی را در خوابگاه‌ها کنار هم می‌گذرانند و بسیاری از مسائل روزمره را باهم تجربه می‌کنند. این سبک زندگی باعث آشنایی فرد با افراد، فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و خلق و خوی‌های مختلف می‌شود. رابطه‌ی دوستی و جایگاه دوست در سبک زندگی خوابگاهی، پررنگ‌تر از زمانی است که فرد همراه خانواده زندگی می‌کند. دانشجویان با ورود به خوابگاه، از محیطی که سال‌ها در آن زندگی کرده‌اند جدا می‌شوند و در محیط جدید و متفاوتی قرار می‌گیرند. برخورد با انسان‌های جدید باعث شکل‌گیری روابط و تجربه‌های جدیدی می‌شود (قدرتی و مقصودزاده، ۱۳۹۸).

نتایج پژوهش رفعت‌جاه و رضایی با عنوان «تحلیلی بر هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه» نشان داد که از نظر هویت فرهنگی، دختران مذهبی با انسجام هویتی بیشتر و چالش‌های هویتی کمتری مواجه‌اند. به علاوه دختران غیرمذهبی، واجد حس تعلق پایین به خوابگاه، انسجام هویتی کمتر و گرایش بیشتری به هویت جنسیتی مدرن دارند.

مطالعه عطایی و میرحیدری با عنوان «آسیب‌شناسی عوامل اجتماعی سکونت در سرای دانشجویی» نشان داد که فرصت‌های ناشی از زندگی خوابگاهی بیشتر از تهدیدهای آن است (قدرتی و مقصودزاده، ۱۳۹۸). و نهایتاً مطالعه جامعی که توسط سهراب زاده و همکارانش انجام شده نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد مدیران درگیر

در مساله بومی گزینی معتقدند که این طرح به تامین اخلاقی و مصون سازی کمکی نمی کند (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

• نقد پیش فرض سلامت روان

در مورد محیط خوابگاه و اثر آن بر بهداشت و سلامت روان دانشجویان نیز اغراق شده و مثل سایر موضوعات مورد اشاره در بالا تنها بعد منفی خوابگاه در نظر گرفته شده است. مطالعات متعددی پیرامون موضوع بهداشت روان، افسردگی و اضطراب پیرامون موضوع خوابگاه انجام شده است و نتایج متفاوتی در این زمینه منتشر گردیده است. برخی مطالعات محیط خوابگاه را محیط مساعدی برای ایجاد استرس مطرح می کنند (برای نمونه این مطالعات رجوع کنید به پرند و همکاران، ۱۳۸۷). به عنوان مثال مطالعه ی بحرینیان نشان داد که دوری از خانواده، وجود افراد معتاد در خوابگاه و مشکلات خانوادگی زمینه ساز ایجاد مشکلات در سلامت روانی دانشجویان خوابگاهی است (جوهری و همکاران، ۱۳۹۳)، اما پژوهشهایی هم هستند که بر نقش مثبت خوابگاه در سلامت روان افراد اشاره نموده اند.

محمودی راد و آراسته در پژوهش خود به این نکته اشاره می کنند که خوابگاههای دانشجویی نقش مهمی را در رشد فردی و شغلی دانشجویان ایفا می کنند (محمودی راد، آراسته، ۱۳۸۲) و خوابگاه های دانشجویی نقش مهمی در سلامت روانی دانشجویان دارد. از طرفی این محیطها مکانهای مناسبی برای آموزش های اجتماعی هستند. دانشجویانی که در خوابگاه اقامت دارند دارای فرهنگ خاصی هستند که بر آن فرهنگ تاثیر گذارند و خود نیز از آن تاثیر می پذیرند. دانشجویانی که در محیط دانشگاه زندگی می کنند، تعامل بیشتری با سایر دانشجویان و اعضای هیات علمی دارند و در نتیجه مهارتهای اجتماعی در آنان تقویت می شود (جوهری و همکاران، ۱۳۹۳).

مطالعه جوهری و همکارانش (۱۳۹۳) نشان داده است که ۶۰ درصد دانشجویان معتقد بودند محیط خوابگاه باعث افزایش بهداشت روانی در آنها می شود همچنین ۶۵٫۱ درصد آنان معتقد بودند شرایط خوابگاه در افزایش موفقیت تحصیلی آنان موثر است . همین مقدار تاثیر خوابگاه را بر برنامه ریزی درسی مثبت مطرح نموده بودند. ارتباط با دوستان، کسب استقلال، انطباق پذیری، مسئولیت پذیری، انتقال اطلاعات، فعالیت های بین گروهی و آمادگی برای زندگی آینده به عنوان عواملی معرفی شده اند که در خوابگاه بهبود می یابند. درصد دانشجویان موافق بوده اند که شرایط مطلوب محیط خوابگاه بر کنترل استرس در آنها تاثیر مثبت دارد ۶۰ درصد

نیز معتقد بودند محیط خوابگاه باعث افزایش بهداشت روانی در آنها می‌شود. همچنین ۵۴ درصد دانشجویان موافق بودند که محیط خوابگاه بر افزایش سلامت جسمانی آنها تاثیر گذار است.

مطالعه شجاع نوری و شکری نیز نشان داده که مشکلات رفاهی، تحصیلی و آسیبهای خانوادگی در میان دانشجویان غیربومی بیشتر است. طراحان طرح بومی‌گزینی، با نگاه مبتنی بر فرصت و رشد به این موضوع اشاره می‌کنند که جدا شدن دانشجویان به ویژه دانشجویان دختر از خانواده و محل سکونتشان مشکلات اجتماعی بیشماری را ایجاد می‌کند.

منتقدان این طرح معتقدند قطعاً جدا شدن دختران یا پسران از خانواده و رفتن به جایی دیگر می‌تواند آسیب‌زا باشد و در آن تردیدی وجود ندارد اما نمی‌توان مدرنیته‌ای داشت که در آن تحرک اجتماعی افراد کنترل شود (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

در یک جمع بندی می‌توان گفت که نتایج مطالعات مختلف در خصوص سلامت روان دانشجویان خوابگاهی و غیرخوابگاهی متناقض‌اند اما نکته‌ای که مهم است آنست که اگر بر فرض دانشجویان ساکن خوابگاه دارای سلامت روانی پایین تری هستند این بدان معنا نیست که در طرح بومی‌گزینی دانشجویانی نخواهیم داشت که ساکن خوابگاه باشند. یعنی اگر فی‌نفسه محیط خوابگاه و روابط درون آن (که خود آینه روابط جامعه است) محملی است برای انحرافات، این فضا چه برای بومی و چه غیر بومی فرقی نخواهد داشت. در این حالت، باید الگوهای آسیب‌زای فرهنگ‌پذیری افراد و نقاط ضعف آن‌شناسایی و توسط نهادهای مربوطه اصلاح و ترمیم شوند. پس بومی‌گزینی لزوماً دانشجوی ساکن خوابگاه را ایمن نمی‌کند. همچنین مسایل روانی درون خوابگاه صرفاً بخاطر دوری از خانواده (یکی از پیش فرض‌های اصلی مدعیان بومی‌گزینی) نیست و مسائل متعددی در آن دخیل‌اند. شکست‌های عشقی، مشروطی و افت تحصیلی و سوابق مشکلات درون خانواده، میزان دینداری، نوع شخصیت افراد و درون‌گرایی و برون‌گرایی آنها، پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها و نظایر آن از این جمله‌اند. پس مقصر دانستن صرف محیط خوابگاه و نیز ارتباط آن با بومی نبودن دانشجویان با واقعیت‌های علمی روانشناسی مطابقت نمی‌کند. نکته دیگر اینکه همانطور که قبلاً نیز گفتیم این خود خوابگاه نیست که منجر به آسیب‌های روانی می‌گردد بلکه نوع روابط درون آن باعث این مسائل می‌شود. مراکز مشاوره و مسئولان خوابگاهها با آسیب‌شناسی این نوع روابط می‌توانند این فضا را بهبود بخشند. به همین دلیل لازم است مطالعات دیگری انجام شود تا بعد از بومی‌گزینی نیز بررسی شود آیا این مشکلات به شکل معنادار و محسوس کاهش پیدا کرده است یا نه. تنها در چنین حالتی می‌توان در مورد این قضیه قضاوت درستی انجام داد.

همچنین در طرح بومی گزینی ادعا شده است دانشجویان غیر بومی از فرهنگ سنتی فاصله می گیرند. این ادعا مبتنی بر این پیش فرض است که فرهنگ سنتی بهترین شکل فرهنگ است و جایگزین های دیگر قابل قبول نیست. علم جامعه شناسی به ما می گوید فرهنگ در عین ایستایی مجموعه ای است پویا و در حال تغییر و تغییر در آن لزوماً بد نیست زیرا پویایی هر مجموعه ای به رشد و بالندگی آن کمک می کند و ایستایی فرهنگ آسیب زایی آن در مقابل سرعت بسیار زیاد تحولات جامعه مدرن و پست مدرن را بسیار بالا می برد. بخشی از عناصر فرهنگ، تکنولوژی و پیشرفت های مادی بشری است که گاهی از آن به عنوان تمدن نیز نام می برند. نمی شود جامعه ای فرض کرد که در آن پیشرفت های تکنولوژیک پذیرفته شده و استفاده می شود اما عناصر فرهنگی مرتبط با آن وارد نشود. چون فرهنگ سنتی در حال تغییر است پس به عنوان یک منظومه عناصر نرم افزاری آن هم متناسب با آن تغییر یابد.

• نقد پیش فرض افت تحصیلی

یکی از علل اعمال سهمیه بندی ها در طرح بومی گزینی، جلوگیری از افت تحصیلی دانشگاهها عنوان می شود، در حالی که طی این سالها با انواع سهمیه بندی ها سطح دانشگاهها پایین آمده است. این سیاست از آن جهت که به افراد با سطح علمی بالا کمتر اجازه می دهد که به دانشگاههای مادر و برجسته وارد شده و در نتیجه سطح علمی دانشگاهها کاهش پیدا می کند. به گزارش خبرگزاری ایسنا و به نقل از رئیس دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف، قبولی ۱۵ نفر داوطلب با رتبه بالاتر از ۳ هزار، ۶ نفر با رتبه بالاتر از ۱۰ هزار و ۱ نفر با رتبه بالاتر از ۱۶ هزار، ان هم در رشته برق دانشگاه صنعتی شریف تبدیل به پرحاشیه ترین تاریخ کنکور ایران شد (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱). ۱۷۰ عضو هیات علمی بزرگترین دانشگاه صنعتی کشور نسبت به اعمال طرح بومی گزینی در گزینش دانشجویان در کنکور سال ۸۷ و ادامه آن در سالهای آینده ابراز نگرانی کرده اند. بر اساس نامه اعضای هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف، اساساً رقابت علمی هنگامی که از سطح ملی به سطح ناحیه ای یا استانی تقلیل می یابد عنصر رقابت تضعیف می گردد و منجر به تقلیل سطح علمی پذیرفته شدگان می شود (همان). از جمله انتقادات دیگری که توسط معاونین آموزشگاهها به این طرح وارد شده است افزایش پذیرش دانشجو بدون توجه به امکانات سخت افزاری و نرم افزاری دانشگاه های تازه تاسیس و پایین آمدن کیفیت آموزشی در این دانشگاهها می باشد (پرنده و همکاران، ۱۳۷۸).

علل افت تحصیلی لزوماً در غیر بومی گزینی نیست. ضمن اینکه به اذعان برخی محققین، « قانون بومی سازی

موجب از بین رفتن انگیزه دانش آموزان و تلاش بیشتر شده است» (مهرعلی زاده، رجبی معماری و الهام پور، ۱۳۹۱)

عوامل بسیار زیادی در افت تحصیلی دخیل اند که می توان به سطح هوش، کیفیت دانشگاهها، نظامهای ارزشیابی آموزشی، بازنشستگی اساتید با تجربه، و... اشاره کرد. بسنده کردن افت تحصیلی فقط به دوری از خانواده و مشکلات خوابگاه مغلطه ای بیش نیست. اگر این پیش فرض درست باشد باید همه دانشجویان خوابگاهی دارای افت تحصیلی باشند که این خلاف واقع است. همچنین درست است که محیط خوابگاه ممکن است فضای مساعدی برای مطالعه نباشد که در بسیاری از خوابگاهها سالن مطالعه مجزایی برای این قضیه وجود دارد. در عین حال، از جنبه ای مثبت به قضیه اگر نگاه کنیم، محیط خوابگاه فضای مساعدی را برای همفکری و مشورت علمی دانشجویان یک رشته که ساکن خوابگاه هستند نیز فراهم می کند. در بسیاری دیگر از دروس، دانشجویان رشته های مختلف به همدیگر کمک می کنند مثلا یک دانشجوی آمار به حل مسائل آماری دانشجویان دیگر کمک کند. مباحثات مطرح شده در خوابگاه بین دانشجویان نیز خود قدرت استدلال منطقی، قدرت چانه زنی های علمی و حتی سیاسی را در آنها بالاتر می برد.

مشروط شدن و افت تحصیلی دانشجویان می تواند علل گوناگونی داشته باشد، بر اساس تحقیقات انجام شده، نامناسب بودن عوامل درونی و بیرونی نظام آموزشی از قبیل روش های تدریس اساتید، استفاده از تکنیک های کمک آموزشی و روش های ناصحیح ارزشیابی دانشجویان توسط اساتید، برنامه ریزی آموزش ترمی، محیط فیزیکی و اجتماعی کلاس درس و همچنین انگیزه و علاقه دانشجویان نسبت به دروس و رشته تحصیلی و برخی عوامل زیستی دانشجویان بر مشروط شدن و عدم پیشرفت تحصیلی دانشجویان مؤثر می باشد. مطالعات دیگر، عواملی از قبیل خلق و خوی دانشجو، هوش و استعداد، انگیزه، دوستان فرد، شغل والدین، میزان تحصیلات والدین، بومی نبودن دانشجو، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، میانگین معدل دیپلم، سهمیه پذیرش کنکور، فاصله بین اخذ دیپلم و سال ورود به دانشگاه، اشتغال و وضعیت تأهل دانشجویان را بعنوان عوامل مؤثر در افت تحصیلی معرفی کرده اند (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۰).

مطالعه اسماعیل پور بندبنی و همکارانش (۱۳۹۶) که به بررسی علل افت تحصیلی دانشجویان پرداخته است عوامل زیر را برای این قضیه بر می شمارد:

عوامل فردی و اجتماعی مثل جنسیت دانشجو، مقطع تحصیلی، سطح تحصیلات مادر، شغل پدر، وضعیت اشتغال دانشجو و نحوه انتخاب رشته موثرند. نویسندگان مقاله اشاره بر این دارند که بر اساس تحقیقات انجام شده افت تحصیلی در رشته های مختلف تحصیلی متفاوت است و به عوامل عدیده‌ی دموگرافیک و عوامل شخصیتی، وضعیت اقتصادی، سطح اجتماعی و فرهنگی خانواده، مشکلات مالی، جدایی و دوری از خانواده،

میزان علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی خود، و همچنین نحوه تدریس اساتید و منابع و تجهیزات آموزشی بستگی دارد.

در یک جمع بندی کلی می توان برخی از عوامل مؤثر در افت تحصیلی دانشجویان را به این شکل بر شمرد:

- عدم برخورداری آموزش از جایگاه شایسته ی اقتصادی واجتماعی در جامعه، حجم زیاد کتب درسی و کوتاه بودن مدت زمان ترمهای تحصیلی، تئوری بودن مطالب درسی و توجه به محفوظات و کاربردی نمودن دروس، عدم استفاده از وسایل آموزشی و آزمایشگاهی، کارآمد نبودن مدرک تحصیلی در مقایسه با مشاغل آزاد، مشکلات و ناامیدی وعدم اعتماد به نفس دانشجویان برای پیدا کردن کار متناسب بعد از پایان تحصیلات، عدم امکانات کافی و مناسب برای گردشهای علمی و تفریحی، پایین بودن بار علمی بسیاری از اساتید
- کمبود شدید فضای آموزشی، فرهنگی و ورزشی
- عدم استفاده از روشها والگوهای مناسب جهت به روز درآمدن تدریس
- مسائل ومشکلات اقتصادی واجتماعی خانواده ها
- سوء تغذیه، عدم تناسب برنامه های آموزشی با نیازهای واقعی جامعه وفقر مالی دربسیاری از خانواده های دانشجویان
- عدم وجود انگیزه های قوی ولازم در اکثر دانشجویان برای پرداختن جدی به امر تحصیل (نیک بخش، ۱۳۹۳).

• نقد پیش فرض تامین رفاهی واجتماعی

در بخش از ادعاهای طرفداران طرح، به کمبود خوابگاه و هزینه های خوابگاه بر دولت و صرفه جویی در آن اشاره شده است. این دلیل به نوبه خود قابل توجیه نیست و نشان دهنده ضعف نهادهای متولی و سوء مدیریت آنها در تامین خوابگاه دانشجویان است. ضمن اینکه مطالعات نشان می دهد که اغلب مسئولان مرتبط با این طرح (۷۲٫۲ درصد) معتقدند که این طرح چندان کمکی به این کار نمی کند (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

مطالعه رضانخانی و همکارانش در دانشگاه شهید بهشتی نیز نشان داد که بین دختران و پسران مستقر در خوابگاه تفاوت معنادار در مصرف میوه جات وسبزیجات وجود دارد و آموزش در این زمینه را پیشنهاد نمودند. بنابراین برنامه های غذایی مناسب علاوه بر ایجاد رضایت می تواند در بهبود عادات غذایی نیز تاثیر گذار باشد(جوهری و همکاران، ۱۳۹۳). بر این اساس، حق دانش آموز برای پوشاندن سوء مدیریتتها ضایع می شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا پیش‌فرضهای طراحان سیاست بومی‌گزینی را مطرح و سپس پیش‌فرضهای آن را به نقد کشیدیم. در نقد پیش‌فرضهای طراحان بومی‌گزینی با توجه به مطالعات مختلف استدلال کردیم که اغلب پیش‌فرضها دارای ضعف‌های منطقی و علمی و بدون پشتوانه‌های نظری و تجربی اند و نظر نخبگان در این زمینه منفی است. گفتیم که ادعای قرابت بومی‌گزینی با عدالت آموزشی به این دلیل که امکانات برابری در تمام نقاط کشور وجود ندارد درست نیست. همچنین به دلیل سیاستهای تمرکزگرایانه عدالت آموزشی مصداقی ندارد. اشاره به این نکته هم نمودیم که اغلب مطالعات انجام شده از مسئولین درگیر در طرح آن را مغایر با عدالت آموزشی می‌دانند استثنایی که در این قسمت وجود داشت مطالعه‌ای بود که بر دانشجویان متمرکز شده بود. راستی آزمایی عدالت آموزشی باید ترجیحا از زبان کسانی که در این رقابت شرکت کرده‌اند (داوطلبان در مرحله انتخاب رشته) صورت گیرد نه دانشجویانی که گاهی سالها از تحصیل آنها می‌گذرد یا با این قانون‌گزینش نشده‌اند. بر مبنای تئوری گفتیم این سیاست در دل خود تعارضاتی نیز دارد به این معنا که رقابت فدای به اصطلاح عدالت می‌شود. در نقد تخصیص متخصصین به مناطق بومی خود نیز گفتیم که دلایل مهاجرت به تهران و شهرهای بزرگ بی‌شمارند و تنها راه حل آن نیز بومی‌گزینی نیست. یکی از دلایل عمده آن تمرکزگرایی و تمرکز امکانات و فرصت ارتقا و اشتغال برای حتی متخصصین بومی است. همینطور اشاره کردیم امکان کار برای برخی تخصصها تنها در تهران و برخی شهرهای بزرگ وجود دارد و متخصصین‌گیری برای ماندن در منطقه خود ندارند. گاهی نیز ضد جریانی برای دور زدن بومی‌گزینی وجود دارد و آن مهاجرت دانش‌آموزان به تهران در سالهای آخر برای شرکت در سهمیه تهران و افزایش امکان قبولی در دانشگاههای تهران است. در این راستا پیشنهاد کردیم توزیع امکانات به شکل ساختاری اصلاح شده و به بومی‌گزینی در استخدام بجای بومی‌گزینی در کنکور توجه بیشتری شود. همینطور اشاره شد که این طرح فرار مغزها را نیز افزایش می‌دهد.

در نقد پیش‌فرض تضادهای فرهنگی در خوابگاهها، الگوهای تنوع قومی را بررسی نموده و اشاره کردیم الگوی تکثر بهترین و پذیرفته‌ترین الگو در جهان است. الگوی موجود بومی‌گزینی به اذعان اغلب دست‌اندرکاران و محققین به افزایش تنشهای قومی و جدایی طلبی قومی منجر خواهد شد و همبستگی اجتماعی و ملی را کاهش خواهد داد. اختلاط اجتماعی بر مبنای نظریه‌های سرمایه اجتماعی و تحریم اجتماعی برای سیستم آموزش عالی مفید بوده و به مدارا و بهبود روابط قومی کمک می‌کند. گستردگی روابط اجتماعی و شبکه به دسترسی به منابع با ارزش منجر می‌شود. فلسفه یکدست‌کننده فلسفه‌ای استعمارگرایانه ارزیابی شده

است. همینطور اختلاط اجتماعی بازار ازدواج را برای دانشجویان متنوع تر و گسترده تر می کند و اختلاط اجتماعی و به تبع آن سرمایه اجتماعی را نیز بهبود می بخشد.

بر اساس تئوری های فضا و نابرابری اجتماعی استدلال کردیم که قطب بندی فضایی به قطب بندی اجتماعی نیز منجر می شود و بالعکس و به هم شکلی اجباری الگوها منجر می شود و از تنوع می کاهد.

در نقد ادعای مصون سازی اخلاقی به مغلطه تک بعدی نگری در آسیبهای اجتماعی اشاره کردیم و گفتیم آسیبهای اجتماعی دلایل متعدد دارند و نه خوابگاه بلکه فضای روابط درون آن تنها یکی از محدود دلایلی است که خود متأثر از فرهنگ کلی جامعه و نشات گرفته از درون جامعه است و این ضعف و قصور و جهل علمی دولتمردان و نهادهای مسئول در پیشگیری و کنترل و مدیریت است که باعث این آسیبها می شود. آسیبهای درون خوابگاه نمایی از کژکارکردی مجموعه ای از نهادهای مسئول است نه خود فضای خوابگاه. ضمن اینکه ادعای بومی گزینان صرفاً بر نیمه خالی لیوان خوابگاه متمرکز شده است و از نقش مثبت خوابگاه در زندگی دانشجویی غفلت کرده است.

در نقد کاهش سلامت روان نیز همین استدلالها به قوت خود باقی است اگرچه در این مورد تناقض هایی در مطالعات وجود دارد. در این مورد هم نقش نهادهای مشاوره ای دانشگاهها را می توان پررنگ نمود و با تدابیر خاص و ارائه برنامه های مشاوره اصولی و مداوم از اثرات منفی خوابگاه کاست.

ادعای افت تحصیلی در خوابگاه مغلطه ای بیش نیست به این دلیل که دلایل افت تحصیلی بی شمارند. خوابگاهها نقش مثبت در پیشرفت تحصیلی هم دارند. ضمن اینکه به اذعان اغلب مطالعات خود بومی گزینی به افت تحصیلی بیشتر و کاهش انگیزه منجر می شود.

در زمینه تامین هزینه ها نیز رد پای قصور دولت در تامین خوابگاه و سوئی مدیریتها دیده می شود. براساس یافته ها پیشنهاد می شود مطالعات از نظرسنجی صرف به اثرسنجی تغییر یابند. آثار کوتاه مدت و بلندمدت این طرح با قبل از بومی گزینی در پژوهشی جامع مقایسه شود. بجای ارائه برنامه های تسکینی بر ضعف نهادها و دولتها در کنترل آسیبها توجه بیشتری شود. در اصلاح فرهنگ جامعه به نظرات متخصصین توجه شود. در کنترل مسائل درون خوابگاه از مراکز مشاوره ای و مددکاری کمک بیشتری گرفته شود. بهای ضعف سیستمها را نباید دانش آموزان پردازند. تک بعدی نگری و سطحی نگری از طرح بومی گزینی کنار گذاشته شود و نگاه تغییر سیستمی و ساختاری بجای تغییر بخشی بر برنامه ها حاکم شود.

References

- Babadi Akasheh., Sharif, S.M., Jamshidian, A. (2010) Providing and Extending Equal Opportunity and Educational Justice in Education in Isfahan, *Social Welfare Quarterly*, Volume 10, Issue 37, 287-305.
- Balali, E., Makhdoomi, K. (2021). Spatial Segregation or Social Segregation? A Comparative Study of Marriage Patterns of Women in the High and Low-Class Regions of Hamadan Province, *Journal of Applied Sociology*, 32(2), 129-150. Doi: 10.22108/jas.2021.122682.1896
- Baseri ,Ahmad; Shirzad Abbassian; karimi behrouz (2018) The Relation between Social Capital and Ethnic Convergence In West Azerbaijan Province, *Journal of Crisis Management and Emergency Situations*, Volume & Issue: Volume 9, Issue 34, 115-141.
- Bazrafshan Moghadam, M., Mahdavishakib , A., Khojaste Bujar, M. (2014) A survey on managers', experts' and students' viewpoints towards carrying out native selection for admission of Universities Students and Higher Education Institutions, *Journal of Educational Measurement and Evaluation Studies*, Volume 4, Issue 5 - Serial Number 5, 81-113
- Edwards , Richard , Pual Armstrong & Nod Miller (2001) Include me out : critical readings of social exclusion , social inclusion and lifelong learning ; *International Journal of Lifelong Education* , vol. 20 , no. 5 ,
- Esmailpour-Bandboni M., Naderi-Shad,Kobrai-Abkenar, Gholami Chaboki (2017) Students' Viewpoints about Academic Failure and Some Related Factors in Guilan University of Medical Sciences, *Research in Medical Education*, Volume 9, Issue 3,65-72
- Fakohi, N. (2020) The Indigeneous selection increases social problems, available at: <https://vista.ir/w/a/21/pql6r/>
- Ghanimati,H.;; Mahdavi, M.S. (2008). Investigating the effect of student marriage on the general functional dimensions of the social system, *Journal of Family Research*, 4(4),387-405
- Ghodrati, H., Maghsodzadeh F. (2019) A Qualitative Study on the Experience of Dormitory Life among Female Students with an Emphasis on their Problems, *Journal of Iranian Higher Education*, 11 (2):59-83
URL: <http://ihej.ir/article-1-1288-fa.html>
- Habibzadeh S, Alizadeh H, Pourfarzi F, Ghasemi A, Amini maleki T. (2011) Educational Decline and its Effective Factors in Students. *Journal of Health and Care.*; 13 (3), ???? .URL: <http://hcjournal.arums.ac.ir/article-1-99-fa.html>
- Haj Hosseini, H. (2006) A look at immigration theories, *Strategy Quarterly*, No. 41, 35-46
- Hajian Moghadam, F., Salehi Amiri, R., GHafari, G. (2017). Designing a strong family model, the subject of the vision document of the Islamic Republic of Iran on the horizon of 1404 AH, *Journal of Iranian Social Studies*, 11(1), 36-68.
- Jamali, E.,Baghi Yazdel, R. (2016) Investigation of the Challenges of Indigenous Selection in University Entrance Exams in Iran. *Journal of Iranian Higher Education*, 8 (2) :1-30 و URL: <http://ihej.ir/article-1-874-en.html>
- Janparvar, M., Salehabadi, R., Ahmadabadi, A. (2011) Pathology of national identity resulting from the admission of native students in universities, *Sociological Studies of Iran*, Volume 4, Number 12,41-60

- Janparvar, M., Ghaforian, M., Naderi Chenar, Z. (2020). Investigating the Effective Factors of Political Management on the Regulation of Urban Spaces. *Journal of Geography and Regional Development*, 17(2), 293-313. doi: 10.22067/geography.v17i2.81209
- Jouhari Z, Yamani N, Omid A, Shakour M, Bazrafkan L. (2015) Attitude of Students Resident in Dormitory on the Importance and Role of Environmental Factors on Physical, Psychological and Educational Status. *Medical Education Journal*, 3 (1):15-22 URL: <http://mededj.ir/article-1-107-fa.html>
- Kaplan, H (2004). *Urban Geography*, US: Wiley Publication
- Karimi, A. (2012). A Theoretical Reflection on the Relationship between Higher Education and Social Cohesion: Brief Review of Malaysian Experience., *National Studies Journal*, 12(1), 77-104.
- Kenyon, Susan; Lyons, Glenn; Rafferty, Jackie (2002) Transport and Social Exclusion: Investigating the Possibility of Promoting Inclusion Through Virtual mobility, *Journal of Transport Geography*, 10(3):207-219.
- Khandagh, N., Kosari, A. (2018). Indigenous Selection Impact of Higher Education on Social Cohesion in Iran. *National Studies Journal*, 19(75), 67-84.
- Kirkebøen, L., Leuven, E., Mogstad, M. (2021) College as a marriage market, NBER working paper series, online at: <http://www.nber.org/papers/w28688>
- Lichter, Daniel T. , Anderson, Robert N. and Hayward, Mark D. (1995) Marriage Markets and Marital Choice, *Journal of Family Issues*, vol.16, No. 4, 412-431
- Mahmoudi Rad, Maryam; Arasteh, Hamid Reza ; Student dormitories as communities for learning, (2004). *Journal of Medicine and Cultivation*, 13(2), 45-54
- Mehr Alizadeh, Yadollah; Rajabi Memari, Ismail; And Elhampour, Hussein (2012) Political pathology of localization (content analysis of websites and public media of the country), . *Journal of Iranian Higher Education*, 4(4).
- Merton, Robert K. (1972) Insiders and Outsiders: A Chapter in the Sociology of Knowledge, *American Journal of Sociology*, Volume 78, Number 1.
- Motamedi, A., (2005). Investigating the factors related to the maintenance of specialized forces in deprived areas. *Sociological Review*, 26(26),No.1117, 175-197
- Nad Ali, H. (2014) Analysis of ethnic solidarity in Iran with emphasis on social capital, 8th Congress of the Geopolitical Association of Iran Sympathy of Iranian Ethnic Cohesion and National Authority, Sanandaj, available at: <https://civilica.com/doc/433366>
- Nazari, A., Bagheri,S. (2011) Higher Education and National Solidarity in Iran (1989-2005), *National Studies Quarterly* , Volume 12, Issue 1 , 3-28.
- Nikbakhsh, B. (2015) This Study Examined the Social Factors Affecting Educational Failure Girl Faculty of Humanities PNU of Ahwaz. *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 9(2), 183-202.

- Nourbakhsh, S., Haeri, S. (2011). Sociological survey of success in entrance examination. *Higher Education Letter*, 4(15), 33-57.
- Osmond, Jennifer and Darlington, Yvonne (2005) Reflective analysis: Techniques for facilitating reflection, *Australian Social Work*, Vol. 58, No. 1
- Parand, K., Rafiei Rad, R., Sharifi, M., Abdi, B., Gholami, K., Farahdoost, F., Paizi, M. (2008) A Research to study the consequences of student indigenous selection in 2008; Center for Studies, Researces and Educational Evaluation of the Sanjesh Organization, Department of Social Studies
- Pestel, N. (2017) Searching on Campus? Marriage Market Effects of the Student Gender Composition, IZA – Institute of Labor Economics, DP No. 11175 online at: www.iza.org
- Salehi Amiri, S. R. (2006). Ethnic diversity management based on social capital theories ,The scientific Journal of *Strategy* Volume 14, Issue 2 - Number 40.
- Salehi Omran, E., Alishavandi, A. (2013). Admission Policies of Indigenous Students and its Relationship with the National Solidarity. *National Studies Journal*, 13(2), 53-74.
- Sohrabzadeh, M., Mohammadi rozbahanei, K., Hoseinezadeh, S. (2020) Assessment of Socio-cultural and Political Impact of Continuation to Run Natively Selection of Students in Higher Education from the Perspective of Higher Education Experts (Experts and Deputies of Universities Affiliated to the Ministry of Science and Ministry of Health). *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 10(29), 145-165. doi: 10.22034/emes.2020.39885
- Soulet , M.H. (2006) Exclusion , the Vitality of an old nation for European Social Policy Agenda, on line at : <http://www.ufsia.ac.be/fps/socrates/abstract%20Marc-Henry%20soulet.doc>
- Tavakoli, A., Fakohi, N. (2007). The Role of Linguistic, Ethnic and Local Identities in the Development of Higher Education. *Cultural Studies & Communication*, 3(9), 127-160.
- Ubesequera, D. M & J. Luo (2008). “Marriage and Family Life Satisfaction: A Literature Review”, *Sabaramuwa University Journal*, Vol. 8(1), 1-17.
- Valigholizadeh, A. (2017). Spatial Analysis of the Effects of Centralization In the Formation of Spatial – Territorial Inequalities in Iran. *Research Political Geography Quarterly*, 1(4), 139-168. doi: 10.22067/pg.v1i4.67285
- Van Leeuwen, M.H. D. , Maas, I. (2019) A historical community approach to social homogamy in the past, *The History of the Family*, 24:1, 1-14, DOI:10.1080/1081602X.2019.1570532